

ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بهاء ۵۰ ریال

فروردین ۱۳۶۵

شماره ۴

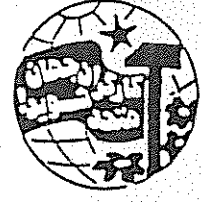
دوره جدید سال چهارم



گسترش بسیج جنگی رژیم و ضرورت مقابله با آن

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای مقابله با بحران روبه تزايد حاکم بر جامعه که زمینه‌های رشد و ترمیم مبارزات توده‌ای را در خود می‌پروراند، بر اقدامات جدیدی برای گرم نگاهداشتن آتش‌تشنه جنگ ارتجاعی ایران و عراق دست یازیده است تا به بیانه جنگ، فشار و سرکوب هرچه بیشتری را بر توده‌های مردم اعمال کند. شهرها و روستاها، کارخانه‌ها و کارگاهها، مدارس، دانشگاهها و ادارات همه و همه عرصه تاخت و تاز مزدوران رژیم برای اعزام اجباری کارگران، دهقانان، دانش‌آموزان و دانشجویان، معلمان و کارمندان به جبهه‌ها گشته‌اند و همه روزه تبلیغات عوام‌فریبانه مربوط به اعزام اجباری جوانان و مردم زحمتکش به جبهه‌ها در صفحه ۲

زنده باد همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان!



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بنسبت فرارسیدن اول عاده در صفحه ۳

کومه له بوندیست در ورطه اگونیومیسیم

مواقع ایدئولوژیک - سیاسی نشتلاتی این جریان را بطور همه‌جانبه‌ای به نقد کشیدیم. کومه له سیر در پانجه اشتادات اصولی ما و با بنائاری بر مواضع طبقاتی خود که به اندیشه‌های سوز و آ - رفرفیستی سپند شیرآلوده گشته‌سود، بخصوص در روند عملی دوساله و نیمه‌اش تا سیونالیسم - تنگ‌نظرانه خرده‌سورزرایسی دهقانی خود را هرچه بیشتر عیان ساخت.

دومال و نیم‌پیش‌فکاسکه کومه‌له و سپند بائنی مرور بهات و پیش‌شرطهای بدیهی برای تشکیل حزب کمونیست، خود را "حزب کمونیست ایران" خواندند، ما

نگاهی به مبارزات یکساله توده‌ای در کردستان (۶۵ - ۶۴)

در صفحه ۵

در صفحات دیگر:



● اخبار جنبش توده‌ای

در صفحه ۱۸

● شیعی بی‌کی‌تیار

در صفحه ۱۷

● اول ماه مه جلوه‌زنده‌ای از تاریخ مبارزات کارگران

در صفحه ۸

● قیام تبریز و دستاوردهای آن

در صفحه ۹

اپوزیسیون ضد انقلاب و مماشات حزب دمکرات

مرد دمکرات‌انشار کند و - دوازدهمین شماره شماره "کردستان"، "ارگان گستر مرکزی خود، طوط دمکری از ادامه ساختنای سوز و آ - رفرفیستی پیشین خود را آنگار ساخت. اس شماره "کردستان" حزب دمکرات طی مقاله‌ای

خاطره قاضی محمد و یارانش را گرامی داریم

در صفحه ۷

هه موو میله نیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه به

گسترش بسیج چنگی رژیم و ضرورت مقابله با آن

جنگ ارتجاعی ایران و عراق باوق و کرنا در بلندگوهای تبلیغاتی رژیم دمیسده میشود .

در ادامه سیاست بسیج چنگی رژیم در سراسر ایران، خلق مبارز کردنیبر بهبهانه جنگ تحت شدیدترین فشارها و سرکوب قرار گرفته است . بخصوص رژیم پس از شکست در عملیات موسوم به والفجر و عقب نشینی از جبهه جدیدی که در کردستان عراق گشود بود ، بر سیاست تسلیح و سربازگیری اجباری و تامین هزینه های جنگی خود از دسترنج زحمتکشان در کردستان شدت بخشیده است . رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای بسیج چنگی در واقع در تلاش پیشبرد آن اهداف ارتجاعی است که همواره بدلیل مقابله انقلابی خلق زحمتکش کرد ، قادر به اجرای کامل آن نموده . مدور اطلاعیه ها و فرامین جنگی در شهرها و روستاها برای جلب منمو لسن و تشکیل ستادها ، سمینارها و کمیته های ویژه برای سا جراد در آوردن اهداف ارتجاعی رژیم از جمله این اقداماتند . زاندامری کردستان طوسی اطلاعیه ای از کلبه منمو لسن متولد ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۶ خواست که خود را به مراکز نظامی رژیم معرفی نمایند . پایگاههای مستقر در روستاهای مناطق مختلف نیز با مدور اطلاعیه های مناسبی از جوانان خوانده اند که خود را به پایگاههای مریور معرفی نمایند . در همین رابطه فرماندهان مزدور رژیم در آذربایجان غربی و کردستان با تشکیل سمیناری مشترک بنام سمینار " لسبک با امام " در ارومیه ، به کلبه پایگاههای آذربایجان غربی و کردستان آماده باش کامل داده اند تا فتوای امام جنابکارشان منی بر تشدید و گسترش بسیج چنگی رژیم را احاطه در آورند . در شهر سنندج نیز برای بسیج اجباری کارگران ، دانش آموزان و معلمان منطقه ستادهای ویژه ای بنام " ستادهای نرسنی " تشکیل شده است . همچنین مردوران در شهر سنندج و روستاهای اطراف آن با اتحاد و گسترش پایگاهها و مفرهای نظامی کوشیده اند تا نفس اعمال کنترل هرچه بیشتر بر این شهر و روستاهای اطراف آن ، بسیج چنگی خود را گسترش دهد . بر همین اساس خانه کردی ، تعیین

سازل ، کنترل جاده ها و معابر و محاصره روستاها به منظور دستگیری جوانان برای تسلیح اجباری با اعزام آنها به جبهه های جنگ ارتجاعی بیش از هر زمان دیگری توسط مردوران با اجرا در میآید . سربازگان رژیم جهت اعمال سیاستهای ارتجاعی حاکمیت به تخمین و فریب نیز متوسل شده اند ، بطور مثال در منطقه سردشت سربازگان برای فریب داده ها اعلام کرده اند که سربازان در مناطق خود سربازی خواهند کرد و یا در شهر سقز عنوان " سرباز معلم " را ابداع کرده اند .

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای مقابله با بحران اقتصادی روزافزونی که دامنگیرش بوده است و بدلیل کاهش بنای نفت ، کسری بودجه سال ۶۵ و هزینه های سرسام آور جنگ شدت نیز یافته است ، و سرشکن ساختن بحران سردوشن کارگران و زحمتکشان ، به غارت و جپاول هرچه بیشتر از دسترنج آنها پرداخته است . رژیم تحت لوای کمک به جبهه های جنگ به اخاذی آشکار از توده های مردم روی آورده است . سربازگان رژیم در منطقه سردشت با تشکیل کمیته های بنام " کمیته مرکزی " ضمن دامن زدن به تبلیغات جنگی حکومت ، مردم را برای تامین هزینه های جنگی زیر فشار گذاشته اند . در شهرهای میاباد و سقز اتحادیه ناخوانایان و سایر اصناف این دو شهر بزور سرنیزه و اداریه پرداخت هزینه های جنگی شده اند . در مناطقی قبلی الله بیگی و افشار ، مزدوران با دستگیری و زندان ، تعدادی از اهالی ، قریب به یک میلیون تومان از زحمتکشان این مناطق اخاذی کرده اند .

اما متأسفانه در برابر تعرض سازمان یافته وسیع و گسترده رژیم ، حرکات اعتراضی زحمتکشان کردستان همچنان خلعت خود بخودی ویراکنده بودن خود را حفظ کرده است . فرار سربازان از جبهه های جنگ ، پادگانها و پایگاهها ، مقابله مردم با مزدوران هنگام دستگیری فرزندانشان ، تظاهرات توده ها علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و رژیم جمهوری اسلامی ، خروج دسته جمعی جوانان از روستا های خود به منظور عقیم گذاشتن سیاست سربازگیری اجباری و حمایت اهالی سایر مناطق از آنها و پیوستن سربازان فراری به پیشمرگان خلق کرد ، همه و همه بطور ویراکننده اینجا و آنجا جریان دارد .

قانونمندی مسارزه طبقاتی حکم

میکند که در برابر سازمان و شکست ارتجاعی سرما به داران باید توده های کارگر و زحمتکش نیز به سلاح اتحاد و تشکیلات مجهز شوند . باید در برابر تعرض سازمان یافته رژیم به دستاوردهای ارزشمند مبارزات هفت ساله زحمتکشان خلق کرد ، کارگران و زحمتکشان کردستان نیز در ارگانهای انقلابی توده ای متحد و متشکل شوند و با مبارزه ای یکپارچه و متحد رژیم را از پیشبرد سیاستهای ارتجاعی خود به عقب بنشانند .

تیروهای آگاه و پیشرو و بخصوص هواداران سازمان باید در جهت ایجاد تشکیلات توده ای با هدف مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی آن فعالیت خود را متمرکز سازند و تبلیغات همه جانبه ای را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق دامن بزنند . باید با افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم و با تاکید بر ضرورت تداوم مبارزه ، توده ها را حول شعارهای ضد جنگ و ضد رژیم بسیج نمایند و با سازمان دادن حرکات اعتراضی و تظاهرات توده ای مزدوران رژیم را از اجرای سیاست بسیج چنگی شان باز بدارند . خلق مبارز کرد ، باید با استفاده از تجارب پر بار چندین ساله خود ، حتم و انزجارش را از رژیم جمهوری اسلامی بوسیله تظاهرات اعتراضی و عدم تمکین به سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی آن به نمایش بگذارد .

اول ماه مه جلوه زنده ای . . .

را بطرف سخت ترین مبارزات و همچنین پیروزی نهایی سوق میدهد .

(۱) ماه آوریل سال ۱۸۹۳ در بلژیک برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری بین المللی اعتصاب سیاسی سرتاسری با خواست حق انتخابات عمومی بوقوع پیوست که در آن ۲۵۰۰۰۰ کارگر شرکت کردند . این اعتصاب به تغییر و توسعه اساسی قانون انتخابات بلژیک انجامید .

(۲) بخاطر اعتصابات و تظاهرات کارگران اتریش با خواست حق انتخابات عمومی دولت اتریش مجبور به عقب نشینی شد .

این مقاله تلمیحی مقاله " اول ماه مه " روزا لوزکزامبورگ ، از رهبران جنبش کارگری آلمان است .



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر فراموشد، روزی که طبقه کارگر زیر پرچم طبقاتی یگانه‌ای که آرمان رها نشدنی پرولتاریا و تمامی بشریت است، اتحاد رزمنده و پولادین خود را در مبارزه با نظام سرمایه‌داری اعظم می‌کند. این روز، روز خنثی وحدت‌اراده، تزلزل‌ناپذیر پرولتاریا و نمایش قدرت فزاینده او در مقابل اردوی سرمایه می‌باشد. در این روز، پرولتاریاهای سراسر جهان با تعطیل کارخانه‌ها و برگزاری جشن و راهپیمایی و تظاهرات همبستگی طبقاتی خود را نمایش می‌گذارند.

اگر هکند سال پیش در چنین روزی، کارگران شیکاگو با خواست ۸ ساعت کار در روز دست به تظاهرات زدند، اما اکنون که یک قرن از آن ایام گذشته است نه تنها این خواست طی سالیان بی‌امان طبقه کارگر، به یکی از حقوق برسمیت شناخته شده کارگران درآمده است بلکه پرولتاریا در بسیاری از کشورهای پیرو ریبنا ی عظیمی نائل شده و به دستاوردهای بزرگی دست یافته است که از جمله آن سرگونی نظم ارتجاعی سرمایه‌داری و استعمار سوبالیم در پاره‌ای از کشورهای است، اما در ایران جاشیکه ارتعاسی ترین و سباحتی ترین دیکتاتوریهای تاریخ بر آن حاکم است، نه تنها بسیاری از حقوق برسمیت شناخته شده پرولتاریا جهانی رعایت نمی‌شود بلکه و حشانه‌ترین نوع استعماروسی حقوقی مطلق کارگران حاکم است. حتی بسیاری از دستاوردهایی را که طبقه کارگر ایران طی نیام سهم و پس از آن بدست آورده بود، تحت و حشانه‌ترین سرکوبها، باریس گرفته شده و هم اکنون کارگران تحت شدیدترین فشارها و تنبیقات قرار دارند.

اسال در شرایطی روز اول ماه مه فرامیرسد که طبقه کارگر ایران در وضعیت و خاست باری بسر میبرد. نشدنی بی وقفه بحران اقتصادی و افزایش سرمایه‌آورد تورم، دستمزد واقعی کارگران را بشدت کاهش داده است و در عین حال موج اخراجهای دسته جمعی و بیکاری گسترده و دم‌افزون، بخش دیگری از کارگران را از همان حداقل دستمزد ناچیز شش ماهی محروم ساخته است.

جنگ ارتعاسی و معاشب آن و شادام ۵ ساله این جنگ، بر شدت فشارهای اقتصادی و فقر و فلاکت عمومی بشدت افزوده و دستورح ناچیز کارگران را می‌کشد.

اختصاص بیش از نیمی از بودجه که عمدتا از درآمدهای نفتی تامین میشود، به هزینه‌های جنگ و رشکستگی مالی رژیم و گسترده آرز، تعطیل بسیاری از کارخانجات و ابدنیال داشته و دست‌دسته کارگران به بیرون از کارخانه‌ها پرتاب میشوند و همه خیل عظیم سیکاران می‌پیوندند.

وجود بیکاری گسترده در سطح جامعه، برای سرمایه‌داران بهترین فرصت را بدید آورده تا با خرید ارزان نیروی کار به تشدید استعمار کارگران سادرت و ورزند و هرگونه اعتراضی را بشیر با اخراج پاسخ گویند.

رژیم سنی کرده است تا با ایجاد جو رعب و هراس و تشدید به اخراج کارگران را به نمکین در برابر وضعیت موجود وادارد. اگر رژیم تاکنون با سیاستهای ارتعاسی خود و بویژه شادام جنگ ارتعاسی، با کسر بودجه جنگفتی مواجه بود و تمام بار بحران اقتصادی و هزینه‌های جنگ را بر دوش کارگران می‌انگند، اکنون ساکاش چند برابر قیمت نفت و محدودیت صادرات نفتی، چشم انداز اوضاع فلاکت‌بار کنونی سوانت و حیم تر و استبار شوات. همه شواهد بیانگر این واقعیت است که هر روز وضعیت طبقه کارگر وخیم تر شده، برداشته اخراجها و بیکاری افزوده گردیده و تیاجم به سطح همیشه کارگران شدت افزونتری خواهد یافت و طبقه کارگر ایران را بسوی شاهی جدی سوق خواهد داد.

هر روز که میگذرد این واقعیت برای کارگران بشیر آشکار میگردد که تا این رژیم با هر رژیم سرمایه‌داری قدرت حاکمه را در دست دارد، هیچ تنبیر محسوسی در زندگی کارگران بدید نخواهد آمد.

شهابک راه برای پایان سخنیدن به فقر و فلاکت جنگ و سرکوب و اخراجها و بیکاری و خلاصه تمامی معاشب اجتماعی که این رژیم سمار آورده است وجود دارد و آن سرگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک رژیم حقیقتا دمکراتیک و انقلابی است. طبقه کارگر ایران که اساسا برای رهائی از یوغ سرمایه و استعمار سوبالیم مبارزه میکند، در این مرحله از انقلاب و طبقه رهبری انقلاب پیرو رزمند دمکراتیک را بر عهده دارد و بشیر بشیروشی است که قادر است دیگر اقشار و طبقات خلق را از وصیت فلاکت بار کنونی نجات بخند. پرولتاریای ایران همچون دیگر هم رنجبران خود در سراسر جهان با آگاهی به نقش دورانش از خود و ساکت تحارب پرولتاریای پیرو رزمند کشورهای سوبالیستی میتواند و باید رسالت تاریخی خود را به انجام رساند.

در سالگرد اول ماه مه طبقه کارگر ایران ضمن ابرار همبستگی با کارگران سراسر جهان، با به تعطیل گذاشتن کارخانه‌ها و شغرم برنامه‌ها و مراسم آیینی رژیم، روز اول ماه مه را به روز اعتراضی طبقه جنگ ارتعاسی تبدیل خواهد کرد.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران
رنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقراری جمهوری دمکراتیک خلق
رزمند سوبالیم
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کومه له بوندیست در ورطه اگونومیسیم

انفادد کد :

"کارگری شدن حزب کمونیست، تماما بهایی واسته است که حزب کمونیست تا چه حد کارگری عمل کند، تا چه خصوصیاتی به خود بگیرد که آنرا عملاً برای کارگران به یک ابزار مبارزه، به یک طرف متشکل شدن تبدیل سازد." (همانجا ص ۱۵)

"کارگری شدن حزب کمونیست"؛ اگونومیسیم آشکارتر از این نمیتوانست عیان شود. اراده گرایی، اگونومیستهای ما را وامیدارد که؛ اول، یک سازمان دهفائی منطقه‌ای با کمک محفلی از روشنفکران دست در دست هم وبا اشکاء به دهقانان کردستان، تشکلی را ایجاد کنند و آن را حزب کمونیست بخوانند، دوم، این "حزب" باید بگوید تا "کارگری نشود" چرا که این "حزب" فاقد کمترین ارتباط با طبقه کارگراست و هیچگونه نفوذ و اعتباری در بین طبقه ندارد. ما شش کارگری شدن این "حزب" هم گرایشها و تلقیات مسمی است که معنی روشنتر آن بهایی عبارت است :

"ترتبه جاتی آمد و حوزه های سازماندهی منظم، اصول صحیح عضوگیری، حابری و کنترل، مدرسه حزبی و کسار روتین حزبی با برلمان آورد و رفت ... بطور خلاصه بنظر میرسد که تشکیلات در نیمه راه یک گسست جدی علی از روشهای غیر - کمونیستی، به دستاوردهای موجود خویش راضی میشود و حفظ و گسترش این دستاوردها عملی رانه در تداوم کاربرد همان نقد اولیه، بلکه صرفاً در تکمیل و رفع عیب آنچه که فی المال بدست آمده است، جستجو میکند." (همانجا، ص ۸ - تاکیدها از ماست)

* "گرایشها و تلقیات" آنچنان عمیقی که حتی از ادامه مقاله "سک کار کمونیستی یک جسمیندی مجدد" در نشریه "کمونیست" جلوگیری بعمل آورده و در شماره بعدی این نشریه در شمارش با مفاد این مقاله، نوشته‌ای را تحت عنوان ؛ "گسترش کموسیم در کردستان یک واقعیت غیر قابل انکار است" علم میکنند.

روش ممویات کسگره‌های اسد ۶۲
کومه له و حزبش سر در کلمت، کوبای عدم سر خورد کومه له با انحرافات اساسی حاکم بر پیش او است.

کومه له و سهد که برای تشکیل حزب طبقه کارگر به تشکیل محفلی عناصر روشنگر و ساهیده بخشی از تولدکنندگان جرد اکتفا کرده اند، ضرورت پیوند سوسالیم علمی با طبقه کارگر ایران و لزوم سازماندهی جنبش طبقه کارگر و پیوستن استوار با آنرا نفی کردند و بر اساس این نظر : "... هر تشکلی که اولاً این اهداف و شیوه‌ها (کمونیستی) را بشناسد، آن را از آن خود بداند، و به آن متعهد شود، مبارزه خود را بر مبنای آن سازمان دهد و به پیش ببرد و تا آنجا از توان کافی واستواری عملی لازم برای ادامه کاری و نشات قدم در این امر سرخوردار باشد یک حزب کمونیست است" (سه سوی سوسالیم شماره ۵، پیوستن تشکیل میدهد و کومه له نیز حزب کمونیست است، خود را "حزب کمونیست ایران" خواندند.

این "حزب کمونیست" حتی ادامه کاری خود را نه در ارتباط تنگاتنگ با طبقه کارگر و نه در پیشبانی طبقه اعتقاد آن به "حزب" بلکه در گرو دستبانی به آن تعداد از کادرهایی که باید بشون طرات حزب را تشکیل دهند" آنها هم در "مدنی کوتاه" نامین شده ارزشبایی گردیده، خلاصه آنکه با قلب کردن مضمون واقعی حزب کمونیست سک کار خاص خود را تحت لوای "سک کار کمونیستی"، سرلوحه فعالیتهای حزبشان قرار دادند.

اماد بیری نباشد آنها بی که می بایست "خودشان را باور کنند" در دو مین سالگرد تاسیس حزب کومه له از "تبدیل این جریان به یک حزب طبقه جاتی واقعی، به یک حزب متشکل کنسیده پیشر و نشر عناصر طبقه کارگر و رهبران عملی جنبش کارگری" (کمونیست ۲۲، ص ۱۵ - تاکید ارما) سخن گفتند و ادعاهای دروغین قلبی خود مبنی بر کمونیستی بودن حزبشان را سوسالیم ساختند و با ناسف از "گرایشها و تلقیات مسمی" که "طبقه شعمین بیشتر و بهیگر راه سر درک" آنها از "سک کار کمونیستی" عمل میکنند، یاد کردند.

با لافزه این "ریشگان نجات" بیسی از دو سال که از تشکیل حزب کمونیستشان میگذاشت سهاد کارگری شدن حزبشان هم

در ادامه همان مطلب روشن میشود که : "این محدود نگری مانع دستبایی به آن افق وسیعتری است که نقد سک کار بوبولیستی باید در برابر ماقرار دهسد افقی که شرط لازم بناسنادن یک کمونیسیم عملی، ادامه کار و قدرشمنند در ایران است کمونیسمی که بطور واقعی شکل انقلابی پیشروان و رهبران عملی جنبش کارگری ایران باشد" (همانجا، ص ۸) می بسید ؛ این "حزب کمونیست" نه تنها هنوز "یک حزب طبقه جاتی واقعی" نیست و "به یک ابزار مبارزه، به یک ظرف متشکل شدن" برای کارگران تبدیل نشده است بلکه "نقد سک کار بوبولیستی" آن نیز نتوانسته مادیت عملی یافته و به آن "افق وسیعتر" یعنی "سک کار کمونیستی" دست یابد.

اطلاعیه مربوط به برگزاری کنگره دوم حزب کومه له نیز حاوی این مسئله است که : "کنگره ... بویزه بیرو روی ضرورت و اتخاذ و نشیت آن چنان سنتها و روشهای عملی که حزب کمونیست را به ظرف طبیعی اتحاد، شکل و مبارزه رهبران عملی و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو ایران تبدیل کند، تاکید نمود". کنگره دوم حزب کومه له نه تنها به انحرافات اساسی و ریشه دار ایدئولوژیک - سیاسی تشکیلاتی این جریان برخورد انتقادی نکرده، بلکه مسائل اساسی را تا حد "سنتها و روشهای عملی" تنسزل داده است، (هرچند که انتقاد از خود، در قاموس کومه له نمیگنجد) البته در این اطلاعیه به اساسنامه جدیدی که طرح آن باید بر اساس جهت گیریها و مباحث کنگره تهیه شده و در اختیار اعضای حزب قرار بگیرد، اشاره شده است، لیکن تا زمانی که برنامه بورژوا - رفومبستی حزب کومه له الهام بخش مسائل تاکتیکی و تشکیلاتی کومه له باشد نمیتوانست تغییرات پایه‌ای در جهت از بین بردن امشبات بورژوایی که در اساسنامه این جریان رسمیت یافته است، ایجاد نماید.

نظر دقیقتری به کنگره پنجم کومه له نیز ماهیت واقعی این مدعیان دروغین "سک کار کمونیستی" را هرچه بیشتر روشن میکند. این دن کیشونهای "نقد سک کار بوبولیستی" آنچنان در ورطه بوبولیسم سوسالیم دهفائی غسروق شده اند که نه تنها کمترین درکسی از در صفحه ۱۵

نگاهی به مبارزات یکساله توده‌ای در کردستان (۶۵-۶۴)

بحران انقلابی در سالهای اخیر، بر سطر تلاطمات ژرف خود، کلیتاً ارکسار جامعه را درگروان ساخته است. در ایسی دوره مبارزه طبقات، افشار انقلابی و طیفهای تحت‌سما بران سیر با تصمیمبرانی مراحه بوده‌است. سوزواری ایران کسه همواره برای حفظ و تحکیم مناسبات استثمارگرانه و تا مین سلطه امیربالیم وارنجاع با متکاملترین اشکال و شیوه‌ها به سرکوب‌شده‌ها پرداخته است. در محنه سرد طبقاتی ضربات مرگماری متحمل گشته است.

کارگران، دهقانان و کلبه طلبتهای تحت‌سما بران علمبرغم است و خیزها بی که در مبارزات آنان حامل گشته است، همچنان بمطبق بر قاعده عمومی مبارزه طبقاتی در این مرحله از انقلاب، سلطه امیربالیم و مناسبات استوسیده سرما به‌دار را آماج شتهز خود قرار داده‌اند و برای کسب قدرت سیاسی، تا مین حاکمیت‌شده‌ای و شغف رهائی ملی، به‌یکار خود را تداوم میبخشند.

جنبش انقلابی خلق کرد که بر سطر انقلابی جامعه بعد از قیام بهمن اوج نویینی یافت، و تحت‌تاشیر جنبش مد امیربالیمتی دمکراتیک خلقتهای ایران شکوفان گشت، بعد از هفت‌سال تداوم مبارزه مسلحانه، بمنظور سرانداختن ستم مفاعد (طبقاتی - ملی) از جا بگام ویژه‌ای در جنبش ضد امیربالیمتی دمکراتیک خلقتهای ایران برخوردار گشته است و در مقامس بین‌المللی نیز جنبش خلق کرد هم به لحاظ با به‌داری در پیش‌سرد جنگ انقلابی وهم به لحاظ اسناد توده‌ای و نقش بالفعل کارگران و زحمتکشان در آن، در رزم یکی از انقلابی‌ترین ویر - حسنه‌ترین جنبشهای توده‌ای جهان قرار گرفته‌است.

رژیم جمهوری اسلامی که از بدو سب قدرت رسیدن سداوما جنبش انقلابی خلق کرد را مورد بورش قرار داده است، بیسی از ۳۰ مرداد ۶۵ با بروکش مونت یک‌سوره ار انقلابی انقلابی در سراسر ایران و سرکوب‌سازمانیافته انقلاب، شعرفات خود راه کردستان نندت بخشید. طی سبتن از چهار سال که از این نقطه عطف در سیر

است و حیر جنبش توده‌ای میگردد. تا کوس ماطی استراتژیک کردستان مورد تعرض واقع گردیده‌است و رژیم برای سرکوب توده‌های خلق کرد و فرونشاندن مبارزه مسلحانه جاری، بخش مهمی از سبب‌سوزی سرکوب و ماشین جنگی‌اش را در کردستان متمرکز نموده‌است. ولیکن آنچه برهنگان روش است رژیم جمهوری اسلامی، علمبرغم اتخاذ وحشیانه‌ترین شیوه‌های سرکوب در مقابل راده‌کارگران و زحمتکشان و پایداری پیشمرگان تهران، طی این مدت نتوانست یک قدرت متمرکز و بیلامنازع سیاسی نظامی را در کردستان مسلط نماید.

در سال ۱۳۶۴، رژیم متناصب با شرایط و ظرفیت نظامی خود بیشتر بیسن نیروی سرکوب را علیه جنبش انقلابی خلق کرد سیج کرد. در اوایل سال رژیم طی اطلاعدهای با شعیین یک ضرب الاجل، مردوران خود را برای کسب به کردستان فراخواند. سران جنایت‌پیشه رژیم کردستان را "حساسترین جبهه استراتژیک کشور" خواندند و در حالیکه زیونانه به قدرت و وسعت جنبش انقلابی خلق کرد و هتکات سبروهای سرکوبگر خود اعتراف می‌نمودند، مردوران و دسته‌های داوطلبین اعزام مجدد به کردستان را تودیه‌سج میگردند. در شهرها، محلات، روستاها و حتی سبب‌السیورترین نقاط کردستان انسود نیروی سرکوبگر پراکنده بود. مردوران رژیم برای سرکوب‌شده‌های خلق کرد و به‌تمکین واداشتن آنان، به‌دمنشانه‌ترین روشها را بکار بستند، اما هر بار در زیر ضربات پیشمرگان و مبارزات اهالی زحمتکش شهرها و روستاها، با فوسف و زیونی، از دست‌یابی به مقاصد خود ناگام ماندند.

سازمان ماکه وظیفه خود را شرکت علی در جنبش کلبه طلبتهای تحت‌سما ایران قرار داده‌است و همواره به دفاع سرختانه از آرمان و اهداف جنبش انقلابی برخاسته‌است. سال گذشته فسی انگاس اخبار مبارزات توده‌ای و جمعیتدها آنجا در هوسه‌ماه، انگاس بیلان عملیات پیشمرگان خلق کرد، افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم در کردستان، از جمله

سیاست به آتش‌کشیدن، تخلیه و تخریب روستاها، سیاست تسلیح اجباری، سیاست ایجاد شوراهای اسلامی، تلاش نمودن سبم خود صفوف مبارزه کارگران و زحمتکشان کردستان را در راستای هدایت و هدلسد آن بسوی پیروزی تقویت نموده و با تسلیح آن در سطح جنبش انقلابی سراسر ایران و جهان، در معرفی و شناساندن اهداف جنبش انقلابی خلق کرد بکوشد.

اینک نیز با جمعبندی اجمالی مبارزات توده‌های زحمتکش کردستان در یکسال گذشته تلاش میشود تصویر عمومی وضعیت مبارزاتی خلق کرد طی سال ۶۴ در سطح جنبش متعکس گردد. بدیهی است به دلیل شرایط مشخص مبارزاتی و مهمتر از همه پراکندهگی حرکات اعتراضی کلبه اخبار مربوط به حرکات توده‌ها در سطح جنبش انگاس نیافته‌است. لذا ایسن جمعبندی فقط بیانگر وضعیت عمومی مبارزات کارگران و زحمتکشان کردستان در یکسال گذشته است و انگاس صد درصد حرکات اعتراضی انجام شده نمی باشد.

در سال قبل، اعتراضات توده‌ای علیه عملکردها و روشهای سرکوبگرانه رژیم حول محورهای مشخص شکل گرفت. اجرای سیاست سرکوب (که شامل مجموع اقدامات ایدئاتی مزدوران رژیم برای درهم‌تکستن مقاومت انقلابی توده‌ها، از قبیل ضرب و شتم، زندان و شکنجه، به آتش‌کشاندن خانه‌ها، کوچ اجباری، تخلیه و تخریب روستاها، بیگاری و اخذای مالی میباید) سیاست سربازگیری اجباری از فرزندان خلق کرد، سیاست تسلیح اجباری اهالی روستاها بیشتر بیسن اعتراضات دست‌جمعی را برانگیخت.

همچنین برخی دیگر از اعتراضات علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و ابراز تنفر نسبت به سیاستهای رژیم در این زمینه شکل گرفت.

جدولی که در زیر ملاحظه میگردد، براساس تعداد حرکات اعتراضی انجام شده تنظیم شده است. از ۱۸۶ مورد مجموع حرکات اعتراضی در سال ۶۴ مقابله با سیاست سرکوب در درجه اول قرار داشته و ۷۸ مورد یعنی ۴۱/۹۲ درصد از مجموع حرکات اعتراضی بدان اختصاص داشته‌است. بهمین ترتیب در جدول مربوطه ۴۸ مورد اعتراض علیه تسلیح اجباری، یعنی ۲۵/۸۰ درصد، ۳۴ مورد اعتراض علیه سربازگیری اجباری یعنی ۱۸/۲۷ درصد و ۲۵ مورد اعتراض علیه در صفحه ۱۲

اپوزیسیون ضدانقلاب

و

مماشات حزب دمکرات

همین برای ارسان برداشتن این "موانع" و "دشواریها" چاره اندیشی میکند. در همین رابطه، احکامات درگیریهای نشان خود (حزب دمکرات) و کومهله سخن بیان میآورد. آنگاه به احضار اران میآید میکند و اران میگردد. که گوش ایستاد این مسئله اراحت جدایی سرخوردار سوده و منتز می در نماند حقیقت انقلابی طلق کرد دانسته است. از این روی، سی آنکه به این مهم معوان بگریز نماند. "نویس" موانع و دشواریها "می موجود بر سر راه حمن انقلابی خلق کرد. که در تمام طول سال گذشته ممانع اهرمی سازد از رنده در مسیر رشد و تکامل هر چه سخته سازات رهنمگان طلق کرد عمل کرد دانسته است. سپرد از. و با آنکه ممانع حاشه دادن به این درگیریهای حوس و رسانا، که رفته رفته غلغلان شده و موانع سیاسی در مشهوری راهی برای انعام حک خود سا کومهله و بدترین آتش سسی نشد و شرط. رنده مذاکره برای حل سیاسی اختلافات سیاسی را فراهم کند. سپا و سپا که "تولشده گریها و ماحرا حوشهای... رهبری منگوت حزب کمونس کومهله" اشاره میکند و سی. از احکامات "کردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات "ما خودن قسم مادی سمت، عامدا از احکامات و تانتر سیاستهای حزب دمکرات در اس در گریها که معوان عامل اصلی نداوم آن سندن دانسته است. نامه حالی میکند.

کردستان "مدود آورده. هر چند که نش حزب دمکرات را در اس در گریها و نداوم آن ممانع سیاسی که بت آن دارد. منگوت میگردد. اما سا چار به ادتار این واقعیت است که جسی در گریها سسی حمن انقلابی خلق کرد لطمه وارد کرده است. و اگر چه سینه فاسی رفته و کتاه آن را سحرآمیز کردن کومهله ممانع دارد. اما از روی احضار به احتمار جسی اعتراض میکند :

"پولبونیها ... ما نامه حالی کردن از بدترین ملحق بایدار و تشدید آتش حک داخلی. سخن نایل توجی از سروری پشمرگ را خود بشمول دانستند" و بسا "ده هاش کادرساسی و نظامی حزب ما در راه آرمان خلق خودجان ساختند و در

حدا بر دوران جمهوری اسلامی، در درگیری با ماحرا حویان پولبونی ۰۰۰۰۰۰ سینه نند. (نقل قول ممانع جیسا از کردستان شماره ۱۱۲، ساکنه از مات) حمن حملات کونه از زمان "کردستان" حزب دمکرات، سیاستر آن حقیقت تلخی است که حمن انقلابی طلق کرد با آن ممانع است و هرگونه ظفره روی حزب دمکرات را از طوح غلغل در گریها و با سخگوشی به چگونگی دستبایی به راه حل اصلی برای پایان آن، سلاش میسازد. و در عین حال اسناد بر خورده های غیر مسئولانه ارادرفعال ممانع جسی خلق کرد آشکارتر می نماید.

در اینجا حزب دمکرات کردستان، گذشته از آنکه کومهله و پشمرگ های این سازمان را در دست جمهوری اسلامی و با اذعان قرار داده است. سانس سیاست معمول و همگنی آن که در مساسات و سرخورد ... های سیاسی همواره نام طلق کرد تحت میکند. تصمیمات و نظرات خود را، تصمیمات و نظرات خلق کرد سیمانده. پیروزی خود را، پیروزی خلق کرد جلوه میدهند. اینجا نیز، در ادامه همان سوه و مطابق نظام فکری ویژه خود، سا زیرکی خاصی سنی کرده است تا "آرمان" رهبری حزب را بجای "آرمان خلق" جایزد و "درگیری با ماحرا حویان" را و همچنین ادامه آنرا که خواست رهبری حزب دمکرات است. همان "آرمان خلق" قطعاً نماند.

کیست که نداند این ادعای حزب دمکرات از اساس بوج و بی پایه است؟ زحمتگنان خلق کرد بر اساس کدام ممانع وجه اخذانی می بایستی در مقابل هم قرار بگیرند و "آرمان" شان، در گریهای دروسی حمن خلق، سندن و نداوم آن باشد؟ خود حزب دمکرات سخته از هر کسی به سی پایه بودن این ادعاها و انفاست رجوب میداند که سخته سخته های خلق کرد سا ادامه این در گریها هیچگونه سوافتنی ندارند. بلکه بسیاری از افتاء که حمنی در میان آنها سخته کمیته مرکزی هم دیده میشود. "گادرها" و پشمرگان حزب سر سا آن مخالفند وجه سا در اعتراض به همیسی سیاست. از ادامه فعالیت با حزب دمکرات سرتاز رده، کمانه گری سوده و

یا آنکه به اعمال کشده شده اند. حزب دمکرات سان کیکی که سرخوردار در سرف فرورده است، وحاشی راسی سندن، خیال میکند که سندن زیبا سارسا ستنهای او سیر از اسطر سندان مانده و کسی متوجه آن نمیشود. حزب دمکرات غافل است که سندن زمان اسکوه عوام فریبیها سیر رسده است و ممکن نیست سنوان سبرای سمنه چمنهای خود را عامدا سبر روی واقعیت است!

اما قطع نظر از اینکه "کردستان" از چه شیوه های در بکار گیری الفاظ و کلمات برای تحریف آشکار آرمان خلق کرد و خواسته های انقلابی آنان استفاده نموده است، ناچار به ذکر این مسئله ساتفار است که سال گذشته ان سروی "خش نایل توجی از سروری پشمرگ" به جای آنکه صرف ممانع با رژیم جمهوری اسلام کردد. بجای آنکه در راه تحققات اهداف انقلابی و دمکراتیک خلق کرد قرار گیرد، عملا سندنها سانس و طغه انقلابی جامه عمل سپیوانده است. بلکه در در روشی سانس دیگری از سروری پشمرگ، جسی انقلابی خلق کرد را تصنیف سوده، و د عوی سدرزیم سدرمدی جمهوری اسلامی در سربوب سوده ها را اعمال سیاستهای رنجا عی سانس ممانع دادده است. از نظر حزب دمکرات، سیاستی است که چنین فاکتور مهمی سنوان "ممانع" و یا "دشواری" سبر راه حمن انقلابی خلق کرد، هنگامی که این "دشواریها" را در سال گذشته مرور میکند. بحساب نیاید، آنرا به فراموشی سپارد، از کنار آن بی سروسدا بگذرد و یا آنکه آنرا ناچیز شمار آورد.

در ادامه مقاله مذکور، ستریه "کردستان" حزب دمکرات که قرار است طی آن، هم سدر و سیکاله حمن انقلابی خلق کرد سرخورد کند و هم وظایف سسال آمده خود را در فعال آن سترسیم نماید، جسی ممانع :

"ساست حزب ما سیاست درستی است... هیچ سبروشی قادر نخواهد بود ما را شکست دهد، و سراجام دشمن راهراندازه سبرومند هم که باشد سزانو در خواهیم آورد." چنین است تصورات و خیالهای خوش حزب دمکرات در مورد خودین، و توهمات سستی که تلاق دارد در حول و حوش خود سبراکند. هم سیاست حزب دمکرات "سیاست درستی" است که قادر است "دشمن" را "سزانو" در آورد، و هم آنکه در صفحه ۱۵

خاطره قاضی محمد و یارانش را گرامی داریم

ماه فروردین در تاریخ مبارزات زحمتکشان کردستان با داور خاطره‌نهادی بشماره‌ای است که در راه رسیدن به حقوق دمکراتیک خلق کرد به شهادت رسیده‌اند. ولی دهم فروردین ماه برای خلق مبارز کرد از ویژگی خاصی برخوردار است. در سپیده دم دهم فروردین ۱۳۲۶، رهبران و یارانی که در جمهوری خودمختار کردستان، قاضی محمد، سید قاضی و مدرق قاضی در میدان شهر مهاباد بدست دژخیمان رژیم ارتشاهی شاه به دار آویخته شدند و سنت انقلابی مبارزه، پایداری و شهادت در راه آرمان خلفهای زحمتکش و مبارز را پاسدار نمودند.

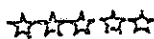
خلق مبارز کرده که سالها دراز تحت حاکمیت ارتجاعی رفاثاتی ازستم و انتقاد ملی و وطنی را رنج میبرد، در سالهای پس از شهریور ۲۰ دوش بدوش دیگر بوده‌ها و خلفهای مبارز و انقلابی کشور، به عرصه

سازره فعال ملی و وطنی پای نهاد، در این مبارزه سیم‌ارزنده و بارز قاضی محمد و یارانش در هدایت مبارزه خلق زحمتکش کرد و اعتلای سنتهای مبارزاتی در جامعه نابان توجه است.

در سال ۱۳۲۴، پس از برقراری جمهوری خودمختار در آذربایجان، خلق کرد نیز به رهبری قاضی محمد، در کردستان جمهوری خودمختار اعلام نمود. اما علیرغم آنکه بیکار دمکراتیک و ملی در کردستان به رهبری قاضی محمد، بخشی از جنبش ضد-امپریالیستی و رها شیبش توده‌های سراسر ایران بود، نتوانست در ارتباطی با ارگانیک با جنبش سراسری قرار بگیرد، هر چند که تا شیر مستقیم در مبارزات توده‌های مناطق ایران گذاشت. اما دیری نپایید که رژیم فدخلقی شاه در هراس از گسترش جنبش مبارزاتی با تجدید قوا، کردستان را مورد تهاجم و سرکوب

خود قرارداد. جمهوری دمکراتیک کردستان بدلیل عدم تسلیم و سازماندهی توده‌ها نتوانست یورش و حشانه ارتش فدخلقی شاه را درهم شکند و دچار شکست شد. قاضی محمد و چندتن از یاران نزدیکش هیچ راهی جز ماندن در میان توده‌ها و ایستادگی و مقاومت در برابر سراسر مزدوران رژیم برای خود متصور نبودند. لذا با ایستادگی و پایداری خود سنتهای انقلابی و مبارزه جویانه خلق کرد را تثبیت کردند.

خاطره مبارزه و شهادت قاضی محمد و یارانش با سنتهای مبارزاتی خلقها و به ویژه خلق زحمتکش کرد گره خورده. و با زندگی و فرهنگ آنها عجین شده است. شهادت خلق همواره در فرهنگ انقلابی خلق جاوید خواهند زیست.



نمی گذاشت. در چنین شرایطی بود که رفیق جزئی با کمک هم‌زمانش با درک مبرم‌ترین ضرورت اجتماعی و تکیه بر تجربیات بریار و خونین مبارزه طبقاتی ایران اساس‌سازمانی را بی ریزی کرد که رهبری و سازماندهی مبارزه قاطع و بی‌امان طبقه کارگر را علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و نظام موجود تا محو کامل استثمار در دستور قرار داده بود، و انقلابیون را از پراکندگی و اتلاف نیرو و بی‌توانی مبارزه نجات میداد.

شکل‌گیری سازمانی رزمنده با ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم نه تنها بر اراده رفیق جزئی و نه بر پایه میل محافل روشنفکری بود بلکه صرفاً محصول درکی آگاهانه از یک ضرورت تاریخی ظریف بود.

با تکوین اولین نطفه‌های سازمان، مهمترین بخش این وظیفه تاریخی انجام شده بود و به دنبال خود سیر مداوم پیوستن نیروهای کمونیست به سازمان جریان دامن‌های خود را تاکنون حفظ کرده در صفحه ۲۲

گرامی باد یاد ...

که زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم صحنه پر شور اسطوره‌های پایداری مبارزین در بند به ویژه کارگران و کمونیست‌هایی بود که با وجود خیانت تنفر انگیز حزب توده، همچنان بر عزم انقلابی خود تکیه داده و شکنجه و اعدام را به تسخیر می‌گرفتند. رژیم منظم به هرتلاشی برای حفظ و تثبیت خود دست میزد اما تا کام‌تر از همیشه بر شدت فشار شکنجه و زندان می‌افزود و در سایه همین فشار و رکود مبارزات کارگران و زحمتکشان بود که نتوانست موقتاً بر اوضاع مسلط شود. مهمترین نکته در نتیجه نبود یک سازمان انقلابی مارکسیست - لنینیست که رهبری مبارزات کارگران را بر عهده گیرد، مبارزات پراکنده طبقه کارگر و نیروهای انقلابی جامعه به هرز رفتن و کمترین دست‌آورد مطلوب رانداشت و مبارزه بی هدف و بدون جهت مشخص، تا شیر مسمومی برای تغییر نظام موجود بر جای

میزان نیز ضرور رفیق بر روند مبارزه جاری که اکنون در سایه تلاش رفیق جزئی و یارانش با تکوین سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران هدفدار شده بود، لطافت جدی وارد کرد. تا شهری که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بر تشکیل و سازماندهی کمونیست‌ها و جهت‌دار کردن مبارزه طبقاتی در ایران با انشاء و ظرف اهورتوئیم راست بر جای گذاشت بر کسی پوشیده نیست، شکل‌گیری سازمان در شرایطی بود که مدعیان رهبری مبارزه طبقاتی در دهه ۳۰ قرن اخیر با همه لاک و کزالتان عاجز از درک ضروری ترین نیاز زمانه و بی‌خبر از فعل و انفعالات جوانان طبقاتی در لاک حقیر زندگی شخصی فرو رفته و بی‌روزی موقت دولت وابسته به امپریالیسم را در ۲۸ مرداد ابدی فرض کرده و در کتف عاقبت به مجرک‌گوشی نظم موجود پرداخته بودند، خیانت زدرماندگی حزب توده و جنبه ملی به دلیل ما حیثشان و اعتمادی را نسبت به خود در بیست و نه شده‌های زحمتکش ناسود کرده و از کمترین اعتباری برخوردار نشوند. این در حالی



* اول ماه مه جلوه زنده ای از تاریخ مبارزات کارگران جهان

روز اول ماه مه یک واقعه زنده تاریخی از مبارزات طبقاتی کارگران سراسر جهان است و سه هجدهمین خاطرات است که تاکنون منعقد شده است. در ظاهر همین لحظات است که مبارزه است. در ظاهر همین همان لحظات است، همان حیرت انگیزها، بیانات عواطفها و گذراندن قطعاتی از مناسبتها و تکرار میهن و از این جهت آنهاست که دیدن آنها لفظ در سطح این مسائل تاریخی میباید قادر نیستند تغییرات روابط درونی پدیدهها را حس کنند و نمود میکنند که روز اول ماه مه بخاطر تکرار هر ساله آن اهمیت خود را از دست داده و به نظاره ای بی محتوی تبدیل شده است. روز اول ماه مه در زیر جلوه بظاهر یکسواختن سبب منسبتها و مبارزه کارگری را پنهان دارد و به زندگی هم آفتکش با حشمت کارگری ادامه میدهد و با محتوی پر فراز و فرودش با تکرار و صاع منفر مبارزه طبقاتیست.

جشن اول ماه مه در دوران تاریخی خود سه مرحله مهم را پشت سر گذاشته است. در سالهای اول این جشن از طرف تمام کارگران جهان با انتظارات فوق العاده و با شور و شوق خاصی برپا میشد. جنبه کارگر به ابزارهای مبارزاتی خود، سلاح جدیدی افزوده بود و اولین آزمایشها با این سلاح جدید مبارزه، احساس و شور و اشتیاق مبارزاتی میلیونها انسان تحت تسلط از طرف دیگر بورژوازی تمام ممالک با ترس و نفرت هر چه بیشتر خود را با نظاره ای جدید مبارزه طبقاتی مواجه میدیدند. نظاره ای انترناسیونال سوسیالیستی در دهه سی بورژوازی مجدداً شح انترناسیونال قدیمی را زنده میکرد. سرکاری جورانه و همزمان جشن کارگری بین المللی برای بورژوازی، همچون تانوس مرگ سرمایه - داری میشود. به همین دلیل بورژوازی در سالهای اول دیوانه وار دست به تدارک و سببی زد تا نتواند با خطرات ناشی از روز اول ماه مه سوسله رور و اعمال تفررت اجتماعی سروهای ارتش و پلیس منالده کند همزمان بهنگام این نیروی مسلح بورژوازی، جمهوری آزاد فرانسه وارد گود

شد و پس از آن استبداد تزاری روز اول ماه مه در سال ۱۸۹۱ در شهر نورمی Fourmies فرانسه اولین تریاسی خود را داد و در سال ۱۸۹۲ به یک شهر در روسیه در لنین گراد در شهر لودز Lodz محرومان طبقات حاکم نتوانستند سرودی آرام از دست رفته را بازیابند و روز اول ماه مه را فقط به عنوان روزی برای نظاره ای بر سر مناسبت بشناسد. از طرف دیگر فروری بنظر میرسد که مرحله ای طولانی برای ادامه مبارزه پارلمانی و توسعه آرام سازماندهی سیاسی و سوسیالیستی در جنبش کارگری سببی بود. سالگرد روز اول ماه مه در آلمان تصویب قوانینی به دفع سوسیالیستها را همراه داشت. در سال ۱۸۹۳ (۱۱) بلژیک متحد شدند و در سال ۱۸۹۶ کارگران تریس (۲) موفق شدند به پارلمان آن کشور وارد شدند. سالهای ۹۰ در همه جا دورانی جدید از فعالیتهای سوسیالیستی و رشد مداومی در نمایندگان پارلمانی طبقه کارگر با خود بارسان آورد.

جشن اول ماه مه داشت کم کم تبدیل سک حشمت عمومی و ممالک آسری مند و جامعه بورژوازی با خیال آسوده به آن مینگریست. اما در سالهای اخیر تغییرات قابل توجهی در موقعیت جنبش کارگری بوجود آمده است با رد دیگر بادی سهمگین بر فراز پهنه سرود و زمین آغاز کرده است. در شرق انقضا کسیر اکثریت در آلمان شدید و دو قطبی شدن مبارزه سیاسی و اقتصادی، اخراج وسیع کارگران در صنایع و متحد شدن تمام احزاب بورژوازی برای بیرون راندن کارگران از پارلمان در فرانسه، یورش و حمله دولت رادیکال علیه سوسیالیستها و مبارزات مطالباتی کارگران که در سازمانهای قدرتمند کارگری متشکل شده بودند... سرمایه داری جهانی، و حمله و حمله دست به حمله میزند. و بدین سبب روز اول ماه مه وارد مرحله جدیدی میشود.

وظیفه پرولتاریا امروزه مجتهد ساختن خویش به خود آگاهی و آگاهی به وظایف خود و فعالیت برای دورانی است که فرا رسیدن آن دیر یا زود قطعی و محتوم است و در این میان جشن اول ماه مه

وسله ای برای نظاره ای مستقیم شده است. بطور مشخص در آلمان می بایست همون جوانی به شکست پارلمانی سوسیال دمکراسی در ۲۵ ژانویه جشن اول ماه مه با تکیه و وسعت هر چه بیشتر برگزار شود. توده کارگران باید به توده متحد و ارتجاعی بورژوازی بگوید: شما میخواستید نمایندگان ما را از انونیکداری بیرون کنید، لیکن اکنون ما خود در اینجا هستیم و شما ما را مضمطر، همبسته تر و رزمنده تر از همه می بایست.

علاوه بر آنچه گفته شد نکته دیگری از جشن ماه مه با قدرتی بیشتر نظاره ای میکند و آن، جهانی بودن مسائل کارگری است.

تاریخ مبارزه طبقاتی در هر مملکتی از حداقل میزان آزادیهای دمکراتیک برخوردار است و تاریخ مبارزه پارلمان میتواند کار مثبتی انجام دهد، حسن کارگری هم در هر کشور محدود و بیامان جهانی نمیشود، اما همینکه مبارزه از حالت دمکراتیک و پارلمانی به سمت حالست تفرات میز تغییر جهت میدهد و همینکه مبارزه صریحانه مرز برخورد توده ها با قدرتهای حاکم نزدیک میشود، آشکارا میشود که طبقه کارگر در سطح جهانی مطرح و جدایی ناپذیر است. تدارکات هر ساله بورژوازی برای روز اول ماه مه در همه ممالک به طبقه کارگران با آوری را میکند که مبارزه آزادیبخش و مبارزه ای یگانه و متحد در سراسر جهان است. اما امروز در خط اول ارتش کارگران جهان پرولتاریای روسیه قرار دارد. پرولتاریا در سرزمین انقلاب و مبارزات انقلابی این پرولتاریا و تجربیات و مشکلاتش بزرگترین مدرسه تاریخی برای نسلهای آینده است.

روز اول ماه مه ممالک با نفس تازه بر توان اوج میکشد و همانند همان دوران اول با نفرت و وحشت بورژوازی و یگانگی و شوق مبارزاتی طبقه کارگر استنبال میشود.

از همان ابتدا نظاره ای کارگری برای ۸ ساعت کار روزانه و صلح جهانی به نظاره ای برای انقلاب پرولتاریا تبدیل میشود. شکوفایی غیرمنتظره ای بوجود میآید. زیرا روز اول ماه مه زاده همان طوفان سهمگینی است که جامعه بورژوازی را به لرزه در آورده و ما در صفحه ۲

قیام تبریز و دستاوردهای آن

بعد از شکست انقلاب مشروطیت، سر پایه یک سلسله فعل و انفعالات اجتماعی ایران و منطقه، بویژه بهروری انقلاب کبیراکتبر - بهروری جمعی از آزادیخواهان مشروطه طلب، از جمله شیخ محمد خیابانی، قیام تبریز به بهروری رسید. کمیته‌ای از دمکراتهای آذربایجان روز هفده فروردین ماه ۱۲۹۹ با در دست گرفتن زمام امور در شهر تبریز که هنوز هیجان‌ناشده شورانگیز مشروطه خواهی را حفظ کرده بود - حکومت دمکراتهای آذربایجان را تشکیل داد.

حکومت دمکراتهای آذربایجان برنامه خود را در دو ماده به این شرح :

۱ - برقرار داشتن آسایش عمومی
۲ - از قوه به فعل در آمدن رژیم مشروطیت غلامه کرد، و در طرف مدت کوتاهی شور و شوق آزادیخواهی را به سراسر آذربایجان اشتغال داد. شهرهای خوسی، ارومیه، اردبیل، مراغه، سلماس و زنجان نیز به دست آزادیخواهان افتاد و حکومت دمکراتها بر آن مسلط شد. اقدام مهم دمکراتهای آذربایجان اصلاحاتی بود در زمینه مسائل رفاهی از قبیل، مسازره علیه احتکار، پاشین آوردن قیمت کالاها و تثبیت آن، احداث مدارس و بیمارستانها و تشکیل کمیته‌های بمنظور اصلاحات در شئون دادگستری، کشاورزی و آموزش و پرورش.

قیام دمکراتهای آذربایجان تا شهر مثبتی بر رشد جنبش ملی دمکراتیک در سراسر ایران بویژه در تهران باقی گذاشت. و در نتیجه ترکیب رجال ارتجاعی دولت دست نمانده رفائش تاثیر کرد. قیام آذربایجان که قدرت و نیروی آنرا بورژوازی و خرده بورژوازی تجاری، بهبه‌وران، تهیدستان شهری، و طبقه کارگر در حال رشد تشکیل میداد، دارای نقاط ضعفی بود که باید مورد توجه قرار گیرد. بویژه نقش همزیستک بورژوازی تجاری در این ترکیب ما هیتا نمیتوانست جهت گیری مترقیانه تری داشته باشد و از حداصلاحات سیاسی زمانی که منافع اقرار شرکت کننده در بهروری آسرا به خطر نیندازد ارتقاء بیشتری نمانت و در نتیجه به اقدامات انقلابی همراه با تحولات بنیبنیادی نمانجا مبد، و بوظایف اعلی‌ش که عبارت

بود از ساررهای قاطع علیه ارتجاع، تسلیح توده‌ای، و دعوت به مشارکت هرچه بیشتر توده‌ها در حکومت، عمل نکرد. به همین دلیل نیرتیهاده‌های بسیار محدودی از افراد مسلح موظف بدفاع از دستاوردهای قیام بودند و بهرینیز از نظراستحکامات نظامی کمترین توجهی نشده بود. مفاضا که به مهمترین مسئله رفاهی آنزمان که بهبود وضع زحمتکشان و کارگران و حل مسئله ارضی و دهقانی که در راس آن قرارداد است کمترین بهاء لازم داده نشده و نیروی عظیم دهقانان را به خود جلب نکردند. ضعف مهم سیاسی قیام نیز عدم ارتباط آن با جنبش رها شیبخش ملی در سایر مناطق ایران بود که اتفاقا در همسان مقطع غلبان های انقلابی انفجار آمیزی داشت نظیر گیلان و خراسان.

این قیام بدلیل مقامد خاص طبقا تیش بالاخص حضور عناصری از بورژوازی تجاری در راس آن نمیتوانست حاصل بشانسیل انقلابی ارتقاء یابنده‌ای باشد در نتیجه بعد از پیروزی به سیر نزولی افتاده و از خطت تعرضی آغازینش عدول کرده و به سراسیب سازش و ممانعت افتاد و سرانجام در مرداد همان سال به دست ارتش ارتجاعی دست نمانده امیرالیهیم انگلستان بعد از دفاعی بیرونی که بیش از آن هم نمیشد انتظار از نیروهای تشکیل دهنده اش داشت سقوط کرد و بسیاری از دمکراتها و از جمله رهبر آزادیخواش شیخ محمد خیابانی دستگیر و به دست دژخیان ارتجاع رفائش به شیبسادت رسیدند.

قیام تبریز با وجود نقاط ضعفش، تجربیات ارزشمندی برای جنبش ضد - امیرالیستی دمکراتیک خلقهای ایران در برداشت، از جمله مهمترین دستاوردهای قیام تبریز آموزشی است که توجه به ترکیب طبقانی نیروی رهبری و تزلزل و ناپایداری ذاتی در امر پیشبرد منافع توده‌ها را در بردارد. و ما علت ضعف و شکستش را در همین رابطه نشان دادیم. یاد جانبا زیجای مردم دلاور آذربایجان و تبریز قهرمان گرامی باد.

☆☆☆ ☆☆☆

چند خبر از شهرهای کردستان

پاسداران تعدادی از نیروهای خود را جهت سرکوب توده‌ها و متفرق کردن جمعیت به محل درگیری اعزام میکنند. افراد شهربانی نیز که خود را به محل رسانده بودند، در حالیکه پشت سرهم توسط بی سیم از سپاه پاسداران تقاضای کمک میکردند، از مقابله با توده‌ها ناتوان بودند. بدین ترتیب درگیری ایجاد شده، در ادامه خود تبدیل به یک حرکت اعتراضی گسترده میشود، بطوریکه مزدوران، به علت حضور توده‌ها در خیابان هسا نمیتوانستند با استفاده از خودروهای نظامی به محل درگیری نیرو اعزام دارند. سرانجام، بعد از آنکه این درگیریها و اعتراضات مدت ۲ دقیقه ادامه یافت یک دسته از سرکوبگران کلانتری خود را به محل رسانده و با وحشیگری هرچه تمامتر، به ضرب و شتم و دستگیری و متفرق نمودن اهالی پرداختند. توده‌های خشمگین علیرغم خشونت مزدوران، در بسیاری موارد توانستند با حمله به خودروهای نظامی، دستگیرشدگان را از چنگ سرکوبگران رها سازند.

گرامی باد یاد

آن هنگام که در سبها لهای رژیم شاه به امر زماندهی و نگارش آثار شوریک جنبش اشتغال داشت.

رژیم درمانده شاه که تحت هیچ شرایطی نمیتوانست این رهبر ستارگ انقلابی را از ادامه مبارزه بازدارد در اوج استیمال چاره را در ترور فدائی کبیر رفیق بیژن جزئی و یاران آگسآه و روزمنده اش دید.

همان روز دوشن از مجاهدین خلق، کاظم ذوالانوار و محطنی جوان خوشدل نیز توسط دژخیان رژیم بشهادت رسیدند.



اصول ابتدائی کمونیسم بدست نیاورده است بلکه همچنان سردیگاه سوندهیستی خود پای می فشارد .

اطلاعیه پابانی کنگره پنجم کومه له مملو از عبارت پردازیهای متناقض همینگی است : " نحوه گسترش تشکیلات حزبی در میان کارگران و زحمتکشان کردستان " ، " پیشرفت و پیروزی مبارزه طبقه کارگر و جنبش انقلابی خلق کرد درگرو وجود و گسترش تشکیلات مستحکم کمونیستی است " ، " فعالیت نقشه مند و اصولگرایی کمونیستی " و " تبدیل " کومه له به " شکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان " . (تاکیدها از ما است)

کومه له بوندیست که همواره خود را "ظهور آگاه و متشکل پرولتاریای جوان کردستان" خوانده و با دستاویز قرار دادن این مسئله ، بدفاع از " نوع ویژه و خاصی از حقوق سیاسی و تشکیلاتی با درجه خاصی از استقلال " پرداخته و بدین وسیله بر ایجاد تفرقه و جدایی میان کل طبقه کارگر ایران کوشیده است ، این بار ظاهرا در مورد دفع انحرافات خود برآمده و از تبدیل کومه له به "تشکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان" سخن میگوید . دیدگاه تشنگ نظرانه و ناسیونالیستی بوندیستهای ما به آنها اجازه نمیدهد که ملاحظیم عام و اولیه " اصولگرایی کمونیستی " را درک کنند . آنها درک نمیکنند اساس وجودی کومه له در تفاد با " تشکیلات مستحکم کمونیستی " است ، دفاع از " نوع ویژه و خاصی از حقوق سیاسی و تشکیلاتی با درجه خاصی از استقلال " درون یک تشکل واحد داشتن کمیته مرکزی و کنگره متمایز هیچ قرابتی با " تشکیلات حزبی " و حزب کمونیست ندارد و دفاع آشکار و علنی از اصل فدرالی تشکیلات است .

از نظر ما اینکه کومه له بعد از چند سال تبلیغات پرهیاهو تحت عنوان "بخش پیمانگان پرولتاریای کردستان" ، امروز بر تبدیل کومه له به "تشکل ... کارگران پیشرو کردستان" تاکید مبروزد ، مسئله عمومی نیست . اگر تعلقات طبقاتی کومه له اجازه میداد حتما انحرافات اساسی این سازمان به زهر مہمبر انتقاد کشیده میشد ولی از کومه له بمثابة " مظهر آگاه و متشکل " دهقانان " کردستان " انتظاری غیر از این نیست . کومه له میخواهد " مظهر آگاه پرولتاریای

کومه له بوندیست

در ورطه اکونومیسم

کردستان " باشد و تاکنون نیز مدعی آن بوده است . اما در عمل ، واقعیتهای موجود جامعه منافی با این امر در برابر کومه له جان سختی کرده است . کومه له این بار میگوید و در تاکیدا - مکرر یادآوری میکند که باید " کومه له به شکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان تبدیل گردد " ، " باید " تشکیلات حزبی در میان کارگران کردستان " گسترش یابد . اما کومه له برخلاف کلیه نیاتی که میتوانند داشته باشد همچنان درجا میزند ، چراکه کومه له اعتقادی به اصول کمونیسم ندارد چراکه منافع تشنگ نظرانه و ناسیونالیستی کومه له عامل تعیین کننده سیاستها و عملکردهای او میباشد .

انحراف و تکف کومه له در این جهت که نتوانسته به " شکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان " تبدیل شود ، انحراف اساسی او در دیدگاهی است که منافع کارگران کرد را از کل طبقه کارگر ایران جدا میکند ، به رژیم جمهوری اسلامی بمثابة نیروی اشغالگر در کردستان برخورد می نماید ، سرنوشت جنبش خلق کرد را از سرنوشت انقلاب دمکراتیک شدهای ایران جدا می بیند و همواره بر ایجاد تفرقه و جدایی میان کل طبقه کارگر ایران میگوید . دیدگاه کومه له با همینگی منافع طبقاتی پرولتاریا متعارض است ، او تحت لوای دفاع از منافع کارگران کردستان ، برای انزوای ملی کارگران کرد فعالیت میکند ، بی اعتمادی کل طبقه کارگر ایران را نسبت به کارگران کرد اثاث میدهد و خصلت طبقاتی مبارزه را با عامل ملی مخدوش میکند . اگر در مانیفست حزب کمونیست برای این مسئله که " در سازات پرولترهای کشورهای مختلف کمونیستها روی منافع مشترک تمامی پرولتاریا مستقل از هر ملیتی که دارند ، انگشت میگذارند و بیخاطرش بیکار میکنند " کومه له روی منافع ملی کارگران کردستان انگشت میگذارد و برای آن بیکار میکند . در حالیکه مارکسیستهای ملل تحت ستم باید " برای دستیابی به اتحاد کامل و مطلق (و همینطور سازمانی)

در میان کارگران ملل تحت ستم و کارگران ملل صنعتگر مبارزه کنند . " (در باره مسائل ملی و استعماری - لتین) نقض چنین اتحادی ، انحلال جنبش مستقل پرولتاریا ، انحلال حزب ، انحلال تشکیلات طبقه کارگر در تشکیلات بورژوازی و خرده - بورژوازی است .

در رابطه با عملکردها و سیاستهای کومه له طی دو سال ونیم گذشته از آنجا که مویات و مباحثات کنگره های کومه له در دست نیست ما برخورد به آنها موقوف به آینده میکنیم ، اما تا بید " سیاست عمومی و مواضع تاکتیوی " کمیته مرکزی کومه له ، در قبال حزب دمکرات و ضرورت تدویم " این سیاست در وجوه مختلف " ، توسط کنگره کومه له ، در حقیقت اصرار ورزیدن بر سیاستهای آنارشیستی و ولونتاریستی کومه له در قبال جنبش انقلابی خلق کرد است .

تا بید " سیاست عمومی و مواضع تاکتیوی " کومه له در قبال حزب دمکرات جر تدویم درگیریهای خونین میان پیشروگان این دو نیرو معنای دیگری نمیتواند داشته باشد . درگیریهای خونینی که با خاک و خون کشیده شدن مدها تن از فرزندان زحمتکشان کردستان و با اتلاف انرژی و پتانسیل جنبش انقلابی خلق کرد ، بمثابة مهمترین عامل بازدارنده و مخربی است که در روند این جنبش نقش داشته است .

حزب دمکرات بعنوان عامل اصلی تدویم این درگیریها و با پافشاری بر سیاستهای غیر اصولی ، ضد دمکراتیک و غیر مسئولانه خود و کومه له با محدود نگریها و دنباله رویهای کور خود از حوادث ، با دامن زدن به این درگیریها ، ضعیفی - کفایتی ذاتی خود را در هدایت ورهبری جنبش خلق کرد به نمایش گذاشتند .

در این میان سیاستهای کومه له با دفاع کجدار و مریز خود از آتش بس و مذاکره برای حل اختلافات فیما بین به شیوه سیاسی قابل بحث و تمسق بیشتری است .

کومه له که همواره در تئوری و پراتیک با دفاع از برنامه های بورژوا - رفرمیستی از قبیل " حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان " بی اعتقادی عمیق خود ، رایبه اهداف واقعی جنبش انقلابی

خلق کرد و قدرت و اراده خود را در زحمتکش کردستان نشان داده است. پس از انتشار پشمکران خود توسط حزب دمکرات در منطقه اورامان، این سی اعتنادهای وسیع اعتنابی را بکار دیگر انکار ساخت. کومه له با تبلیغ سیاست ترس متقابل و بیان توهمی این ترس بمتناهی مبارزه حاد پرولتاریا با سوز و آوری در کردستان، آتشبار درگیری ای شد که مستقیماً مانع حیاتی جستن خلق کرد را آماج قرار داد. کومه له بجای اتکاء به نیروی لاهرال توده ها، برای دفاع از دمکراسی مورد نظر خود و اعمال فشار بر حزب دمکرات ارگانال بسیج و سازماندهی توده های مردم کردستان و به جای اتخاذ سیاستها و تاکتیکهای اصولی در جهت جلوگیری از دامن زده شدن هر چه بیشتر به درگیری میان پشمکران، خود به ترس متقابل علیه حزب دمکرات دست یازید. شروع مجدد درگیریها در همان منطقه این بار با هدایت آگاهانه کومه له ابعاد وسیعتری برایش درگیریهایی بخشید. کومه له انتقام جوشی نرفته - گروا پانه خود را ترس پرولتاریا علیه سوز و آوری قلمداد نمود تا بدین وسیله شعار "هل من مبارز" حزب دمکرات را نیز جواسی داده باشد.

ماههای اول درگیری، کومه له در حالیکه در برابر پیش شرطهای غیر - دمکراتیک حزب دمکرات از ضرورت مذاکره برای آتش بس و حل سیاسی اختلافات دفاع میکرد، اما "اعلامیه حقوق یابهای مردم زحمتکش در کردستان" را مسای هرگونه شوافعی قرارداد نامناظرار دادن اصولی کلی، محال خود را از اراده یک راه حل مشخص و عملی راحت سازد. تداوم درگیریهای نظامی میان پشمکران دو - نیرو، موجی از اعتراضات توده ای را علیه سیاستهای غیر مسئولانه حزب - دمکرات و کومه له برانگیخت.

سازمان ما با محکوم دانستن موکد توسل به اسلحه برای حل اختلافات فیمابین گروههای سیاسی، با ارائه راه حلهای عملی در جهت حل اختلافات میان حزب و کومه له، تلاش مستمری را بکار گرفت، و برای قطع درگیریهای حزب - دمکرات و کومه له، طرح پیشنهادی سه ماده ای خود را به جنبش ارائه کرد.

کومه له بوندیست

در ورطه اکتونومیسیم

کومه له علیرغم انتشار طرحی متناهی بر سرقراری آتش بس بدون قید و شرط و امضا توافقاتی بین "طرفین"، دریلنوم تیر ماه کمیته مرکزی خود، مجدداً بر تداوم درگیریهای نظامی میان پشمکران خود و حزب دمکرات پای نهد:

"لذا در وضعیت فعلی تنها راه انقلابی برای خاتمه دادن به جنگ جاری عارضت از شکست سیاستها و اهداف سیاسی فدا انقلابی حزب دمکرات از طریق کسب پیروزی در جنگ جاری". (قطب نامه پلنوم مرکزیت کومه له درباره جنگ جاری میان حزب دمکرات و کومه له) (تاکیدها از ماست)

کومه له در همین قطب نامه از سویی "ارضا مستقیم جنگ کنونی را با منافع زحمتکشان و ضرورت سهم بودن و مشارکت هر چه فعالانه تر آنان را در مبارزه علیه حزب دمکرات و سیاستهای آن" توضیح میدهد و از سوی دیگر "خواهان قطع جنگ و پیشبرد سیاسی و مسالمت آمیز مناسبات و مبارزه سیاسی بین احزاب سیاسی در کردستان" میگردد. کومه له که از پیشبرد این جنگ اهداف سکتاریستی و گروهی مشخص خود را دنبال میکند اما از آنجا که این جنگ در عارضی جدی با "منافع زحمتکشان" و "مخالص جنبش خلق کسرد" قرار دارد، مانند همیشه دچار سردرگمی کیجری میشود. از سویی این جنگ را در ارضای مستقیم با منافع زحمتکشان ارزیابی میکند و از سویی دیگر خواهان قطع آن است، در حالیکه "تنها راه انقلابی برای خاتمه دادن به جنگ جاری"، از نظر کومه له شکست حزب دمکرات "از طریق کسب پیروزی در جنگ جاری" است. این است مفهوم واقعی شعار آتش بس کومه له! شماره های ۲۱ و ۲۲ نشریه کمونیست منافع کومه له را در ارضای مستقیم با "جنگ جاری" روشن میسازد:

۱- "ظهور قدرت فائقه" جدید در تلویزیونهای اروپا و اینکه "محافل سیاسی خارج" ناگزیر از برسمیت شناختن

"این قدرت فائقه" و باز کردن حساب جدیدی برای آن شدند.

۲- "در عرصه نظامی، این جنگ نه تنها هدف حزب دمکرات را از معرفی خود بسویان حزب قدر قدرت در کردستان بر آورده نکرد بلکه تصویر دیگری... از تناسب واقعی نیروها در کردستان بدست داد."

۳- "رفقای ما در جنگ... پخته تر و آزموده تر شدند."

از نظر کومه له فرمایش توان و انرژی پشمکران دوطرفه قربانی شدن صدها تن از آنان، سودجویی رژیم جمهوری اسلامی از موقعیتی که این جنگ در کردستان بوجود آورده، تاثیرات مخربی که این جنگ بر اذهان توده های مردم و پشمکران دوطرفه برجای گذاشته و بطور کلی انحراف جنبش خلق کرد از مسیر اصلی خود، همه و همه در خدمت: برسمیت شناخته شدن کومه له توسط محافل سیاسی خارج، بدست دادن تصویر دیگری از تناسب نیروها در کردستان، آزموده تر شدن نیروهای کومه له اهدافی که در "ارتباط مستقیم با منافع زحمتکشان" (بخوان منافع سکتاریستی کومه له) قرار دارد، است. بی جهت نیست که کومه له، تحت فشار اعتراضات توده ای و واقعیات جنبش، در حالیکه به ظاهر از آتش بس و مذاکره فوری و بی قید و شرط دفاع میکند، خود، همانند حزب دمکرات، اما به نوعی دیگر، بر سر راه آتش بس و مذاکره فوری و بی قید و شرط، مانع ایجاد کرده و از حزب دمکرات میخواهد که موارد زیرین را "رسماً پذیرفته و اجرای عملی آنها را تعهد نماید":

"الف - آزادی کامل فعالیت های سیاسی را برسمیت بشناسد و در عمل مراعات کند.

ب - متعهد شود که در قبال اختلافات سیاسی فیمابین به اسلحه متوسل نمیشود، از خلق درگیریهای مسلحانه با کومه له خودداری میورزد.

ج - حق توده های مردم کردستان و اتحاد آنها را برای اینکه آزادانه و بنا به اراده خود سرنوشت، راه سیاسی و حزب سیاسی خود را انتخاب کنند برسمیت بشناسد و متعهد نماید که در این رابطه به زور متوسل نخواهد شد و حقوق و آزادیهای



جنگ بسی ۱۳/۲۳ درمد به‌سخت ۱۸۶ مورد
کل حرکت‌های انجام شده مشاهده میگردد.

ویا سوراخدن آنها نمودند.
در تیرماه سال گذشته مردوران طی یک
بورش اهالی روستاهای "ریشین"، "دی -
گوران" رادر منطقه "گدلی-برده-رهن" شمال
کردستان را از خانه‌هایشان بیرون رانده
و هر ۲ روستا را بعد از تخلیه با آتش

موضوع حرکت	مورد	مورد در حرکات به درمد	★
تلیه سرکوب	۷۸	۲۱ / ۹۳	۱
تلیه تلیح اجباری	۴۸	۲۵ / ۸۰	۲
تلیه سربازگیری	۳۴	۱۸ / ۲۷	۳
تلیه جنگ	۲۵	۱۳ / ۲۲	۴
مجموع حرکات اعتراضی در سال ۶۴	۱۸۶	۷۱۰۰	

کشیده شد.
طی همین ماه روستاهای "کیچکاران"،
"کاولان"، "ناصوآباد"، "لوان" در منطقه
ارومیه با آتش کشیده شد و در مورد دیگری
بعد از موفقیت عملیات مشترک ایران و
ترکیه برای تخریب یک منطقه همجواری
مردوران با هلی کوپتر مواد سوختی ناشی
روستای "بازرگان" در منطقه "سرخاخان"
را با آتش کشیدند. مشابه یک چنین
اقداماتی نیز در منطقه مهاباد،
اشنویه، بوکان، بیران شهر وجود داشت.
علاوه بر اینها رژیم در بعضی
مناطق نفوذ آنها را ملغ کرده و آنان
را وسیله پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه
خود علیه کشاورزان تهدید قرار داد.
کسه و دهکده‌داران در شهرها تحت فشار
قرار گرفتند و همکاری با رژیم شرط
ادامه شغلشان قرار داده شد.
مردوران رنان رانیز در روستاها
خیابانها، و محلات شهرها مورد جانناست
متعدد قرار دادند. چنین بود موزرانه
ترین شیوه‌های سرکوبگرانه برای درهم
نکتن واهی اراده‌توده‌های انقلابی
کردستان.

در اقدامات یاد شده در سال گذشته
که بالغ بر ۱۳۸ مورد از اقدامات
مردوران برای اجرای سیاست سرکوب
می باشد، علاوه بر اینکه تقریباً در همه
مورد بنحوی بوده‌ها با مقاومت خود از
تن سپردن به خواست مزدوران خودداری
بمعل آوردند، مشخصاً ۸۷ مورد حرکت

حال سیمیم نتایج عملی اجرای
سیاستهای ضد خلقی که در فوق شده‌ای زان
آن طرح گردید و از سالهای قبل توسط
مزدوران تلیه کارگران و زمینکنان
کردستان اعمال میگردد، چگونه است.
سیاست سرکوب توده‌های انقلابی که
رژیم از اجرای آن هدفهای مشخصی را
دنبال میکند، بطور خشن ترین مداخله
پلمبی در زندگی مردم است.
در همین رابطه طی سال گذشته
مزدوران، بسیاری روستاها را مورد یورش
قرار دادند و سرکوبه شکنجه و کشتار
اهالی میدفاع برداختند. مدافعان را
دستگیر و بسیاری از آنان رادر منازل
چشمهای بسته شده مردم به جوخه اقدام
سپردند، تعداد زیادی از روستاها به
محاصره درآمد و برای اعمال کنترل بر
آنها مزدوران اطراف آنها را سیم جاردار
حصار کشیدند و تردد اهالی را تحت نظارت
قرار دادند. خانه‌گردی، تفتیش خانه‌ها،
برقراری حکومت نظامی، تویل سه زور
و اخاذی مالی تقریباً در هر جایی وجود
داشت. بسیاری از روستاها سبب
آشناری توپ و خمپاره نرار گرفت و در
مواردی دیگر سروی اهالی آتش کشیده شد.
مزدوران در چندین مورد، آن سدی
ار روستاهایی را که قادر به کنترل آنها
نمودند و هر کدام از آنان مشابه گانسون
حمایت‌های مادی و معنوی پیشمرگان شمار
میرفت تهدید به تخلیه کردند و در مواردی
قبل از پایان مهلت مقرر اقدام به تخریب

دسته‌جمعی اعتراضی در بیش از ۷۵ روستا
۱۳ شهر کردستان شکل گرفت.
رژیم با توسل به سیاست سربازگیری
احضاری و تلیح احضاری اهالی
رحمکن روستاها تاکنون سیاست
های منحصی را در کردستان
دنبال کرده است.

در واقع این سیاستها با اشکال
مختلف در ارتباط با هم اتخاذ گردیده‌اند
رژیم از این طریق تلاش میکند تا کمیون
نیروی انسانی در ماشین جنگی خود را در
وجه سرکوب داخلی و جنگ با عراق جبراً
نموده و از طرفی با تلیح اجباری، بخش
از اهالی کوشیده‌است، ضمن جایگزینی
نیروی پایگاههای مستقر در روستا
رو در رو فرار دادن مردم با پیشمرکا
خود جوانان را تحت فشار قرار داده و
پیوستن آنان به صفوف پیشمرگان معاند
بمعل آورد.

مزدوران رژیم برای اجرای سیاست
تلیح و سربازگیری اجباری بیش از همه
بدرج ترین شیوه‌های خود در این زمینه
جنگ انداختند. محاصره روستاها، کشتار
تردد اهالی، ایجاد پستهای بازرسی
در مسیر جاده و حذف اصل شهرها، محاصره
محلنهای تجمع مردم در شهرها و مهمت
از همه دستگیریهای وسیع و دسته جمعی
از جمله شیوه‌هایی است که مزدوران
برای پیشبرد سیاستهای ضد انقلابیشان
بدان دست میزنند.

تاکنون مزدوران رژیم برای پیشبرد
سیاست سربازگیری در مناطق مختلف اقدام
به صدور اطلاعیه کرده و مشمولین را
احضار نموده‌اند. از جمله سپاه پاسداران
در اواخر تیرماه طی اطلاعیه خود
مشمولین ۲۴ روستای منطقه سردشت را فرا
خواند و فوراً یورش خود را برای دستگیری آنها
اشار نمود. سردوران قریب
۱۱۵ روستا را همزمان در مناطق "شامات"
"معال"، "چوم جیدخان" منطقه مهاباد
سعدازیورش، تحت محاصره گرفتند و به
دستگیری جوانان پرداختند.

تنها به‌مورد از وسیعترین
دستگیریها، دامنه یورشهای رژیم را
بروشنی نشان میدهد.
در مورد اول و دوم ۳۵۰ نفر از
جوانان در منطقه اورامان و ۱۵۰ نفر در
منطقه ارومیه طی می‌رماه و مورد سوم
۵۵۰ نفر از جوانان شهر و روستاهای اطراف
بوکان در آبانماه دستگیر شدند و به

نگارشی بزم مبارزات

مراکز نظامی رژیم انتقال بافتند. همجس سردوران برای وادانسی رحمتگان به تملیح اجاری از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. نوبل سه زور وبعنا تعمیق، بکری موفقیتهایی برای رژیم در این زمینه حاصل کرد تا حدی که تعدادی از اهالی روستاها با اجار تملیح شدند. در بخشهایی از کردستان مزدوران گوشیدند دانش آموزان را نیز تحت عنوان "سپح مسلح مدارس" به تملیح وادارند. رژیم در مناطقی که قادر به پیشبرد تنظیم این سیاست نکند، با فراخوان شوراها و روستاها و ملایا آنان را ماسور کرد تا اهالی را به تملیح در مقابل سیاست تملیح اجاری وادار سازند. در مقابل با اجرای عملی این سلسله تدابیر طی سال گذشته در مقابل ۱۴۷ مورد اقدام مزدوران رژیم در سراسر کردستان برای اجرای سیاست سر بازگشایی اجباری مشغول ۳۶ حرکت اعتراضی در ۳۵ روستا و ۵ شهر از سوی کارگران و زحمتکشان صورت گرفت و در زمینه تملیح اجباری از ۶۶ مورد اقدام تنظیم رژیم سراسری واداشتن توده ها به تکمیل، در مقابل ۲۸ مورد اعتراضی مقاومت و حرکت دسته جمعی در ۸۱ روستا و ۱ شهر وجود داشت. جنگ ارتعاعی دولتی ایران و عراق نبود در سال گذشته با آتش خانها سوزش همچنان اسوه مصیبت و فلاکت را بر دوش کارگران و زحمتگان تحمیل کرد و توده های انقلابی کردستان را از اثرات فاجعه بار خود سی نمیب گذاشت. علاوه بر سازمان دهها شهر و روستای کردستان، سی خانمانی و آوارگی تعداد بسیاری از زحمتگان و فرسائی ندر هزاران تن از مردم بی دفاع در زیر آوار و آتش سوزی، نیروهای سرکوبگر رژیم سیر به پناه جنگ با عراق بر تملیفات خود علیه اهالی بی دفاع امروده و از هرفرست ممکن برای سرکوب توده های خلق کرد، اهالی محسوس و آوارگان سی خانمان بود حت.

رژیم برای منکوب ساختن آوارگان جنگ که برای نجات جان خود و فرزندانشان ناچار از ترک خانه و زندگی شان شده و بکوه و دشت اطراف شهرها پناه آورده

بهر حال طی سال گذشته بیش از ۵۰۰ تن از مردان و زنان روستاها و شهرهای کردستان در نتیجه سرکوب رژیم و انتقام کشی های آن از اهالی بی دفاع به شهادت رسیدند. در ادامه تشریح سیاستها و عملکردها ضد خلقی رژیم در کردستان و تامل روی کلی ترین روش حرکات اعتراضی انجام گرفته در سال گذشته، در همین جا لازم به توضیح است، همانطور که فوقا ملاحظه گردید و جدول (ب) نیز نمایانگر آن است در مقایسه آماری اقدامات رژیم و حرکات توده ها تعداد روستاها نسبت به موارد اعتراضی صرفا نشانگر این واقعیت است که در کردستان انقلابی زمینه های مادی برای حرکت های دستجمعی که در موارد متعدد بنحو بارزی خود را در همساری اهالی دهها روستا حول یک خواست مشخص نشان داده است به عین وجود دارد. البته اگرچه شکل گیری حرکت های دستجمعی با ابهائی وسیع در سال گذشته در بین حرکات اعتراضی عمومیت نداشت لیکن بنا بر دستاوردهای اینگونه حرکات چه در زمینه وسعت دامنه عمل مبارزاتی و بسیج توده ای و چه در کسب نتایج مثبت، وقوع یک چنین مواردی از برجسته ترین نکات در مبارزات کارگران و زحمتکشان طی سال ۶۴ شماری می رود.

بودن آنان راه نیروهای کوساکون از فیل محرومیت از کوبین ارزاق عمومی، ویران ساختن خانه و چادرهای آنان حتی شیرانداری و صرب و تتم تحت فشار قرار داد. و در عین حال که عمق نجایع و فلاکت ناشی از جنگ رندگی کارگران و زحمتکشان را در معرض نابودی قرار داده است، تلاش نمود تا قوانین جنگی اش را هنگامی ساخته و به پناه بسیج جنگی به هر شیوه ردیفانه ای دست بازده، در همین زمینه مقابله اعتراضی توده ها، یعنی اعتراض علیه جنگ اجتماعی و سیاست های ضد خلقی رژیم در سال ۶۴، ۶۵ مورد حرکت اعتراضی در ۴ روستا و ۸ شهر کردستان صورت گرفت. این حرکات اعتراضی علیه جنگ عمدتا توسط ساکنین شهرهای کردستان بر علیه رژیم صورت گرفت و بخاطر شرایط خاص شهری یعنی ارزشا طات گسترده ای که در بر او ادات روزمره بین شهروندان وجود دارد. انعکاس بیشتری یافت و مزدوران رژیم را در مبارزات این حرکات به ابزار و اکتشای شدیدتری وادار نمود. در برخی موارد که در اثر بیماری مکور شهر، اهالی برای چندمین بار دست به حرکت اعتراضی میزدند، سرور این حساسیت شدیدتر بوده و در موارد متعددی مزدوران بعضی شکل گیری حرکت اعتراضی، تظاهر کنندگان را به گلوله بسته و با ایجاد رعب و وحشت به دستگیری آنان پرداختند.

شماره	تملیح اجاری		تملیح اجاری		شماره
	شهر	روستا	شهر	روستا	
۱	۱۲	۱۴	۱۸	۶	۱۸
۲	۹	۳۶	۲	-	۲
۳	۴	-	۴	۱	۴
۴	۲۴	۱۸	۷	۲۱	۷
۵	۱۶	۳۹	۲	۳۵	۲
۶	۴	۱	۴	۳	۴
۷	۱۸	۱۱	-	۴	-
۸	۲۵	۱۳	-	۹	-
۹	۱	-	-	-	-
۱۰	۲۴	۵	-	۴	-
۱۱	۲۵	۵	-	۱	-
۱۲	۴	-	-	۱	-

این جدول بیانگر میزان حرکات انجام گرفته در طول سال گذشته است و بدلیل نارسایی که در اخبار وجود داشته بیان عدد حرکات انجام شده نیست.



نگاهی به مبارزات

حال مهمم اشکال مناقشه اعتراضی
نوده‌ها در مقابل رژیم چکمه بود، در
مجموع، حرکات اعتراضی کارگزاران و
زحمتکشان از اشکال منوعی برخوردار نبود.
اعتراضات دسته‌جمعی نوده‌ها در برابر
مردوران رژیم که بطور جامعی سبزه‌برای
نوده‌ها کاربرد داشت در مبارزات زحمتکشا
کردستان طی یکسال گذشته دارای ویژگی
خاصی بود.

این مبارزات که به لحاظ کیفی نیز
متکاملتر از مبارزات مخالفان ساده
رژیم نظیر مقاومت‌های معمولی، سی -
نفا و غیره در مقابل فراخوانهای رژیم،
عدم شرکت در مراسم رسمی و تحریک
انتخابات فرمایشی است، شکل جمعی
مردان و زنان، نظاره‌ها را شبانه‌شب،
طرح شمار و ابزار مخالفت آشکار با
سیاستهای رژیم نمود داشت.

در مواردی این شکل اعتراض در همان
حد با اغلب نشینی مزدوران رژیم بهایان
رسید و در موارد دیگر این اعتراض دامنه
بیشتری یافت به زد و خورد خشونت‌بار
با مزدوران، هلاکت عده‌ای از آنان،
تسخیر مقر و حتی خلق سلاح آنان نیز منجر
گشت. در این سری حرکات زنان دارای
نقش مهمی بودند. در چندین مورد زنان
روستاها با سنگ و چوب مزدوران را مورد
تعرض قرار دادند. خودروی آنان را خرد
گردید، با ایجاد مزاح در مسیر جاده در
رفت و آمد مزدوران اختلال نمودند و با
شهروری سی نظیر همدوش با مردان،
مردوران را در پیشبرد مناقشات ناکام
گداردند.

سرحسته‌ترین این نوع حرکات
اعتراضی در اتحاد و یکپارچگی اهالی
منطقه "به‌ریله‌ی سارال" سندج کشور
یافت؛ در آذرماه یکی از سرحسته‌ترین
اعتراضات نوده‌ای در منطقه "به‌ریله‌ی
سارال" علیه سیاست کوچ اجباری رژیم
رج داد. بعد از انتشارهای زیاد، مزدوران،
چهار روستای "شوال"، "تهدیه‌یی"،
"سرمی بله"، "هوارگرمه"، "شنگاخ"
را مورد بورش قرار دادند نوده‌ها را

و ادار به کوچ اجباری نماید. اهالی
زحمتکشان این روستاها سرانجام
در اثر اتحاد و همبستگی خود و
حاضری و حمایت اهالی روستاهای
مجاور منحد رژیم راه عقب‌نشینی
واداشتند. آنچه در این حرکت اعتراضی
سحر درختانی سرچنگی یافت، همانا
اتحاد و یکپارچگی اهالی در مقابل رژیم
و یافشاری مصمصانه روی یک‌خواست در
مقابل رژیم بود.

تعرض انقلابی اهالی روستای
"گل تپه" در منطقه دیواندره علیه
مزدوران رژیم و خلق سلاح پایگاه این
روستا قدرت نیروی متحد نوده‌ها را به
نمایش گذاشت. این حرکت در اعتراض
به دستگیری ۱۱ تن از اهالی روستا جهت
اعزام به جبهه‌ها صورت گرفت. مزدوران
رژیم ساکتش دامنه اعتراض نوده‌ها
به جاب‌آنان آتش کشودند، لیکن این
اندام زبونانه‌شیری در روحیه اعتراضی
نوده‌ها نداشت. اهالی از زن و مرد و پیر
وجوان به طرف پایگاه مزدوران حرکت
کردند و خواستار آزادی دستگیرشدگان
گشتند. مزدوران از آزاد کردن افراد
دستگیرشده خودداری نموده با تیراندازی
یک نفر را مجروح ساختند. اهالی بویژه
زنان در حالیکه سراپای وجودشان را خشم
نرا گرفته بود به پایگاه حمله کرده و با
گذشتی از بیم خاردار و زدوخورد با
مزدوران موفق به آزاد کردن دستگیر -
شدگان میگردد!

در موارد دیگر، نوده‌ها برای ابزار
نفوت و اسلحه خود دامنه اعتراضات
دسته‌جمعی راه ارگانهای دولتی نظیر
فرمانداری و شهرداری، ادارات دولتی
نظیر سازمان آب و جنگلی و ارگانهای
نظامی نظیر سپاه پاسداران و پایگاههای
مستقر در روستاها کشانیدند و در برابر
این ارگانها تجمع و تظاهرات نمودند.
در برخی حرکات اعتراضی که به شکل
رودرروشی بیواسطه و مستقیم با ارگانهای
حاکمیت صورت گرفت نوده‌ها در حمایتهای
عملی خود از یکدیگر و ابزار همبستگی،
اشات کردند که زحمتکشان کردستان بعد
از این همه سرکوب و کشتار متناسب با
شوان و بتانسیل مبارزاتی خود کماکان
قابلیت فراروئی از اشکال ساده به

اشکال غالب مبارزه را در خود حفظ
کرده‌اند.
اعتراض اهالی روستای "شم‌تکان"

در اواخر فروردین ماه ۶۴ علیه به توپ
و خمپاره بسته‌شدن روستا توسط رژیم،
اهالی با ۱۱ تراکتور بطرف شهر ارومیه
حرکت کرده و با وجود مقاومت مزدوران
و تیراندازی آنها عقب‌نشینی نکرده و خود
را به ارگانهای رژیم رسانده و ابزار
مخالفت با رژیم میکشند.

اعتراض دسته‌جمعی اهالی روستای
"سیف‌تاله" در منطقه سقز به خمپاره‌باران
و شلیک توپ بسوی روستایشان و تجمع آنان
در برابر پایگاه مستقر در روستا که این
حرکت با همبستگی اهالی کل منطقه روبرو
شد و اهالی منطقه با آمدن به این روستا
اتحاد خود را با زحمتکشان روستای
"سیف‌تاله" به نمایش گذاشتند.

اعتراض دسته‌جمعی تعدادی از اهالی
منطقه "مه‌وه‌تو"، "تبله‌کو" و چندین
روستا در آذرماه علیه کشتاریکی از
زنان اهل روستای "قوچاخ" در منطقه
دیواندره، که صدها تن از اهالی این
روستاها با تجمع سه‌روزه‌شان در شهر
مریوان این عمل فاشیستی را محکوم
کردند. هرکدام گوشه‌ای از جلوه‌های
نیروی همبسته نوده‌های خلق کرد است که
هزار چندگاه با جوشی و فتنه‌پذیری
از متن مبارزات نوده‌ای بروز عینی یافته
است.

سال گذشته، در کردستان سال پر -
اهمیتی در بروز و شکل‌گیری حرکات
اعتراضی و تداوم جنبش انقلابی خلق کرد
بود. اما در سال قبل علیرغم پایداری
و از خودگذشتگی نوده‌های انقلابی و
موفقیت‌هایی که نوده‌های خلق کرد در
حرکات مشخص در مقابل رژیم کسب
نمودند، نقاط ضعف درونی جنبش
انقلابی خلق کرد در عرصه‌های گوناگون
تاثیرات خود را نشان داد.

مبارزات نوده‌ای پراکنده بسدون
سازمان هرکدام آغاز و پایان یافتند.
کارگران و زحمتکشان که ستونهای اصلی
جنبش انقلابی دمکراتیک، خلق کرد را
تشکیل میدهند همچنان خودبخودی به
تاکتیکهای مبارزاتی دست‌یازینده و در

اپوزیسیون ضد انقلاب و...

"مختار مایل سومی از سروری بینمگ" در اثر همین "ساختهای درست" نظیر - سلطانه روسوری دیگر بسمگان خلق کرد برار میگرداند.

سرهرکسی روشی است که تلاشهای "کوردستان" برای توحه ساختهای غیر- اصولی حزب و برای آنکه اس ساختها را "درست" معرفی کند و راه خود را "درست" بخواند. می نماید، بلکه چرا که سناج زما سار و ملتوی این ساختها که از اساس نامانع بوده ها سار است، آنچنان آشکار و عیان است، که همه این حمله - بردازیهای "کوردستان" را که می آید آن می شوند ظفره ریش و سروری حزب از نمکین به سرور و با عینی و عینی این مرحله از مساررات زحمتگنان خلق کرد را نوحه کند، می شمر میازد.

حالت بر آنکه "کوردستان" حزب دمکرات، ساخته اس احوال میخواهند "دشمن" را هم "در اسو" در آورند. ما پیش از اس دیدم که چگونه حزب دمکرات عملاً با ادامه ساختهای نادرست و غیر- اصولی خود موجب تضعیف حسن خلق کرد شدند و بطور سه رزم جمهوری اسلامی، این دشمن کارگران و زحمتگنان ایران در سرکوب شده ها میدان میدهد. حال نسیم که حزب دمکرات چگونه میخواهد "دشمن" را "در اسو" در آورند. "کوردستان" می گویند: "سراخام دشمن را هر اندازه سرورمند باشد به زانو در خواهیم آورد". حال اس "دشمن" کیت و جیت و در کجاست؟ چه خصوصاتی دارد و ما چه باید و چیت؟ چگونه باید با او مبارزه کرد؟ در حزب دمکرات مربوط است. حزب دمکرات فقط سواد بنام سیم کوش "دشمن" را میجویند حتی سگول و پیچیده ننده در خانه ای از تاریکی و او خام محسوم و نمیبردند. ما هر لحظه خواهیم شنواید او را به شکل مورد دلخواه خود شما باید، رسد هم از "سازو" در آوردن آن محبت شما آورد! اما اس "سازو" در آوردن چه شما و سیموین در دستگاه دیگری حزب دمکرات دارد؟ معلوم است.

براستی منظور حزب دمکرات از "دشمن" چیست؟ آیا اس "دشمن" حسی است؟ گویند "بولیوی" اس! آیا دشمن مورد نظر حزب دمکرات تاریخی در

درون خاکستان آن جمهوری اسلامی سبای رنجانی و مثال او است که در مذاکرات سیاسی و ننده انگریز خود معاری لافل جری در حد خود کرداسی را در حزب داده اند! اما چنانچه مانع محسود و ننگ نظاره حزب دمکرات در روز سیاست های سازکارانه و مسانعات ظلمه خود، دست با منشی شود، در یک طرفه ایس جای "دشمن" با دوست عیوی خواهد شد؟

ما در ادامه روسی خواهیم کرد که کاربرد این کلمات و عبارات کلی وی - ماه از سوی حزب دمکرات بدون آنکه شخصی کرده باشد دشمن کیت و چگونه باید با او مقابله پرداخت، به سادگی اس و سوز از روی فراموشی، بلکه دشمنی سانی از دستگاه عمومی حزب دمکرات و سر سناج صاحب طغاسی اس جریان اس، دیدگاهی که، اما چرا سار میگوید سیموین در ساحار اقتصادی و مسانعات احتیاجی است، حزب دمکرات، بر پایه مخالف خود به هرگونه کلی سانی، سیموین تا تلاشلات خود بر نامه و محدود خود را بر آورده آید، مگر او سارها و سارها "دمکراسی" را بر نامه دیگری است و مگر شعار "دمکراسی" همواره آید - سخن شریات اس حزب بوده است؟ ولی آیا کسی حتی بکار نشده و یاد شده است که حزب دمکرات هر درکی کلی و سیموین اس واژه ارائه دهد؟ او همواره تلاش کرده است نادرین دمکراسی "تاب" خرد، با حیت طغاسی چمن سیموین رایوشده دارد، و از این رو همیشه از افشای چهره واقعی این سوز "دمکراسی" که چیزی جز دمکراسی سوز و وائی است، سرآشفته نیز نده است. اس کاربرد چنین کلمات و اصطلاحاتی، سمارت دیگر، استفاده از آسنا در سانه نادی تریس پدیده ها تبدیل نده است، حکما میکه حزب دمکرات از "دمکراسی" سخن بسیار می آورد، آزادی خواهی کنی و کارتر و امثالهم در اذهان رسد میزند! علامه آنکه حزب دمکرات همانطور که در بنادر دمکراسی خالص است، از "دشمن" بطور کلی هم محبت سیمان می آورد، محبت از دشمن بطور کلی، همان قدر بر می آید و بریا کارانه است که "دمکراسی" تاب و بی هویت او، کاذبانه و سیموین آید.

و اما واقف است که دمکراسی، دشمن و با هر واژه دیگری در جامه طغاسی ما هم حاس خود را دارند، و سیموین طبیعی اس که چینی واژه هاشی بیسی

کسانه خواهان اصلاحات سوز و وائی، خاجانی سیموین، حفظ ماشین سوز و کراسک نظامی نظام منشی بر سردگی مردوری هستند، و آنانکه خواستار تحولات انقلابی بوده و به در هم شکستن ماشین دولتی و نابودی نظام سرمایه داری اعتماد دارند، نه تنها دو درک متفاوت، بلکه دو درک متضاد و مقابل هم وجود داشته باشد.

این، بر نامه و عملکردهای مشخص حزب دمکرات است که به واژه های کلی و مبهم او خوب و عیب می بخند و چنی است که ذکر کلمات مبهم، هیچ دردی را از او دوا خواهد کرد. ما در ادامه سیمی خواهیم کرد، حد و مرز میان دوست و "دشمن" مورد نظر حزب دمکرات را شفافتر کیم ربه سیموین کوشیهای سیموین او در احب سیموین.

"کوردستان"، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات، در انتهای مقاله یاد شده رسد از آنکه گویا تمامی مسائل جنبش خلق کرد راحل و فصل کرده و پاسخ های درخور و مناسبی برای مفضلات، "موانع" و "دشواریها" می موجود یافته است و دیگر چگونه منکلی هم "باقی" نگذاشته است می نویسد:

"مسئله ای که باقی میماند اینست که در رابطه با نیروهای سیموین پرست اپوزیسیون راه درست و موثری را برای همکاری و اشتراک مبارزاتی علیه دشمن پیدا نمائیم."

حزب دمکرات که تمامی مشکلات جنبش انقلابی خلق کرد را بر طرف ساخته است، در من آنکه دستهای خود را بر هم می باید، اما سوز از یک کار انجام نده نگران است. پیدا کردن راهی برای "همکاری" با "سروهای سیموین پرست اپوزیسیون"!، "کوردستان" با طرح این تنها "مسئله ای که باقی" مانده است، وحل آن از بردوش کمیته مرکزی حزب دمکرات قرار داده است، در واقع هم پشت کشته مرکزی اس را با سیموین، وهم آنکه چنانچه مورد نظر حزب دمکرات را از محسود است و "دشمن" انقلاب می کشاید!، حزب دمکرات مجدداً در مدد جلب "همکاری" "سروهای سیموین پرست اپوزیسیون" است، تا با آنها به اشتراک بنشیند، و در اتحاد با این دوستان "سیموین پرست" علیه "دشمن" مبارزه کند، و لابد او را "سازو" هم در آورد! پس در واقع از این طریق و با جلب همکاری چنین نیرو



اپوزیسیون ضد انقلاب و مباحثات حزب دمکرات

فدائی است که حزب دمکرات، جبهه بخشی از دوستان خود را منحرف میکند، نیروهای سپهر پرست اپوزیسیون... ما در روزگاری که شماره ۲۷ منظور حزب دمکرات را از نیروهای سپهر پرست که امروز رهبری حزب دست کمک و همکاری به سوی آنان دراز نموده است و میسرانه در انتظار بعد اتحاد با آنهاست، روشن باختم. ما همچون سازمان منوبات کنگره فتنم حزب دمکرات و مباحثه دستگیر آن با محله "القوم السابع" آنکارا میروم که حتی نمایندگی همچون بحار، با جبهه سلطنت طلب ستاند. در زمره همکاران نیروهای سپهر پرست مورد نظر حزب دمکرات اند. در ترمیم سیاستهای نادرست حزب دمکرات و مباحثه کنگرس او از اهداف انقلابی نبوده ها حسن است که امروز، نیازی منبور و مباحثه های همچون بحار و اپوزیسیون های ریکارک سورزووانی و کارگران امیرالعلم- اس دستان هم مرده کارگران و رحمتگان ایران دوستان حزب دمکرات شمار آید. و اما سیاست امروز حزب دمکرات، در ادامه سیاستهای احرامی پیشین است. همکاری او با نیروهای "سپهر پرست" و زدوستی "اپوزیسیون" عدلانسی، به امر جدیدی است و به اتفاقی. حزب دمکرات همان نظمیور که عملکردهای او تاکنون نشان داده است، همواره به جسی نیروهای و جیبین اپوزیسیون چشم داشته است. و بنا بر گفته خود او، "بدنیهاست که در این ساره تلاش میکند" نه چیزی که جدید است. این است که حزب دمکرات تصمیم گرفته است سال آینده روابط و همکاریهای خود را با این نیروها یعنی از این نمسق بشود و تلافی ادا ندارد و در پیوند با آنهاست نمیرماید.

اندکی نامی رنوجه بر مصون میگونه ملاقاتهای مدارم حزب، روشی مبارک که حزب دمکرات خواهان هیچگونه تحمیر انقلابی است و اما خواهان ادا ماسه و سمت موجود است. حزب دمکرات، کماکان چشم به طیفه سورزووانی دارد و در حدهمان وعده ها بر ترمیمی فدائی که داده میشود، ماسع خود را ناسس با فتنه میسید و همان "خود کرداسی" انقلابی سورزووانی افتناش میکند. چرا که او حتی در طرح شمارهای خود

سایکرات، زمانی به "نیروای ملی مناروت" دل می بندد، "دمکراسی" ایس "نورا" که جبری حر سوروکراتیسم سورزووانی است، نظرات و اهداف حزب دمکرات را نامین میکند، برنامه سورزووانی لسرالی آسراد در سینه خود محساری می پذیرد، و زمان دیگری که از موفقیت این "نورا" مایوس میشود، در پی همکاران اهداف، اما در جای دیگر، در داخل جناح - های درون رژیم و ساپوزیسیون ضد - انقلابی سرون آن به محسور میخیزد. از همس رو، و در ادامه حسن حنجسو، امروز حشار و سپهر پرستان دیگری از ماس او، دوست حزب دمکرات از آب درو می آید که می بایستی در سال آتی به اتفاق و دوش بسوی آنها، "دشمن" راسته را سو در آورد!

و اما رهبری حزب دمکرات در این حد هم موفق نمیکند، او بار از این هم فراتر گذاشته، سندها شای را که اکنون دیگر در سطح جشن کاملاً کپشه شده است مجدداً ساز میکنند و به تکرار حرفهای مسوخ حزب رهبری و خاش بوده می بردارد و سر آست نامظاس رحمتوهای کنگره فتنم خود، حسن بلائی در جهت "تحکم روانی" دوستانه و گسترش همکاری با نیروهای سپهر پرست "جبهه دمکراتیک ضد - امیرالیستی" مورد نظر خود را، با همان "نیروهای سپهر پرست" تشکیل دهد، و سال ۶۵ راه سال پایان نعره و پراکنندگی اپوزیسیون ایران تبدیل کند.

حزب دمکرات که در سارث با سورزووانی و شیوه های مباحثات طلبانه سراریسای نمی شناسد، حقیقتاً برای نزدیک شدن و اختلاف با آنان سند تمام گذاشته است، این حزب که در حومان رشد و سمنی مبارزه طباشی به حرفتدبیر حاشاه واقعی خود را احوافد یانت، بر آن اساس اساسی آسجد که برای خود مکنش و معنی شخص میدهد، اپوزیسیون سورزووانی را حد خود کند و به تراسی خود در این اپوزیسیون اعدام شود. اس واقع سبی لسرالی حزب - دمکرات که اینجسی او را به نکاپسز اداخته است تا "سپهر پرستان" و جریانات سورزووانی را در بگ "جبهه" متنکل نموده و آسرا سنوان بدیل حاکمیت فعلی علم کند! سی کمان ندسبها مورد ستایش و استقبال کلیت سورزووانی قرار خواهد گرفت، بلکه مطلوب همه رهبریتبشای "واقع بین" سیر خواهد بود.

سورزووانی اما، همیشه دشمن کارگران و رحمتگان است چه در حاکمیت باشد و چه در سرون و ساپوزیسیون، نظام سورزووانی برای کارگران و دهقانان حر ستم و سدی ستر دیگری نداشته است. مادام که قدرت دولتی در دست سورزووانی است، مادام که مناسبات سرمایه داری بر جامعه حاکم است و مادام که دولت به مثابه ارکان سادات این طبقه به حفظ و نای این نظام مشغول است، اکثریت نوده های مردم به فقر و فلاکت هر چه سختتری سوب داده میشود و کارگران و رحمتگان همچنان در معرض خشن ترین شیوه های استثمار و سرکوب قرار میگیرند. در آلتراستایو سورزووانی مورد دلخواه حزب دمکرات، خلق مبارز کرد و دهقانان رحمتکش، با زهم با همان ستم مضاعف و فقر و سدی رژیم جمهوری اسلامی، اما سانه با رنگ و لسان دیگری، رو بر رو خواهند بود.

و اما نکته ای که مایه بدان توجه کافی داشت، و عموم نوده ها، خصوصاً نیروهای خود حزب دمکرات می بایستی با هوشیاری با آن عمیقاً توجه داشته باشند همانا تکرار حرفهای حزب خاش نبوده از زبان حزب دمکرات است، "جبهه دمکراتی ضد امیرالیستی" همان شعار کپشه شده است که پیش از این حزب نبوده به طرح آ، پرداخته است و اتفاقاً با بیانی که امروز حزب دمکرات از مضمون این "جبهه" بدست داده است، نه تنها در برگیرنده امثا بختیار و دیگر "نیروهای سپهر پرست" و "اپوزیسیون" چون او است، بلکه حزب نبوده و امثال او نیز در دل آن جاس میگیرند.

و اما این نشانه گفتار رویگمانسی د شمار، سش از پیشی ماهیت سیاستها سارنگارانه و فرمستی حزب دمکرات بر ملا میکند، چرا که فرمستیها، از آنج که حفظ نظام بورژوازیک - نظامی و ذ در هم گشتی فطنی آنها در نظر دارند ضرورتاً به فشار واحدی سیر میسند، ای بیره کور یعنی حفظ نظام موجود، حفظ ماسش دولتی همان نقطه ای است که بیوان محور اتخاذ سیاستهای حزب دمکرات می بایستی مورد توجه واقع شود. وقتی که حزب دمکرات اساس - سیاستهای خود را بر این مبنا قرار میدهد، و ماهیتا نمیتواند جز این کند - آنگاه درک سیاستها و عملکردهای او و بطور کلی در صفحه ۲

بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه

شعری

یه کی نه یار

شده زالم دنیا به بیج و دوره
بله زره و سینه شم سوینده که دوره

سویندم به به کسم جه ننه کدی شه یسار
سویندم به هیزی چینی کریکار

سویندم به چرخ و لوجی ناوچا ووم
به دهستی نعل شوم ، لاقسی سووارم
سویندم به دیاکسهی کوتک شه وه شینی
سویندم به یختهی کسول شه ریبی
به کاس به دای به ناسی به قور
به پننه کی کون به چوغه لهی شر
سویندم به رهنگی ره ردی بی نانشان
سویندم به نوتهری شه وله کونانشان
به شورشه کی نوکتیری مهون
پاله وانانی هه رگیتر ناسه زن
به شورنگیران کوری ساووبه چین
به ریزو ررنگی نوانسی ویتمین
هیج سات وکاشی دهس ههل ناگریسن
پا به ننه کوبلن یسا بزی ده مریسن
نهرم نه کریسن لهه گروری زور داران
دیباشه کسین به جیزنی هه زاران
لاقای میزو به گور و تیاوه
بهی و به ره پووش شه خاتسه لازه .

له هه و راهرن کی کریکاره
به چه کار شهرو به کی شه باره
هه بر سیرن سو سهریک و دور
کووسی هه لگن نالاشکی سور

ناسگری سی کوشکی له هه ناس
ره هه ری حوری و داسی کی ده میان

له ده وری نالای سرودی جیزن

به شاهکی به ره پنگرا سبزن
شده به ره مایه دار بیسی باره دور

بیسی لهه دل رهش ، رگ رلی حویی حور
شه هل شه و هل تر سوکی خوبری
سان ناسکی سوخوری به رگمای ره بریسی



ناسکی ناکه نگی ده کوزی ده سوری
شده سو بهاره ت ده نروشی ده کبری ؟
چون من شه و روز شارق سو بزم
نه ت ناسی چه وری و خریسی به جیزم ؟
چون گه من چس به نکه به ناسی

چه دیبک شه هدی به ران شه راسی ؟
ده نکاری من سبت کوشک زه ره رات
که بیسی من هه وی لهه حووم بیسی ناس ؟
هه بری به رنسان من رنم جنیم
شوهم پووشه کرد هه سوخوم هیج بیسم
ناسکی دارنشاسیم سی ده رگ و کورسی
چس ژو و حوشورم من سی دربیسی و برسی
ناسکی برمیکی زن و مندالم
شارنسی رنشیوری ره بیسی چه نده نالم
شده دهی به شارق حووت به ره خوش شه کی
من به حووش شه کی حووت سی حووش شه کی



اخبار جنبش نودهای



همچنین چندی پیش، مزدوران رژیم در روستای "قهله‌رشته" بازار سردشت، با استفاده از عمال مزدور خود و یک طیارج رباکارانه، جوانان روستائی را در مسجد کرد آورده و با گرفتن کارت شناسائی شان، از آنان میخواهند که به سربازی اجباری بروند. اما جوانان مذکور، با این خواست ارتجاعی شدیداً مخالفت کرده و به آن تن نسیده‌اند. جوانان مذکور، برای آنکه از چنگ مزدوران رهاشائی یا فتنه‌سربازی نروند، روستای خود را ترک کرده و به روستاهای اطراف پناه برده‌اند.

مزدوران رژیم، همچنین روستاهای این منطقه را جهت تسلیح اجباری جوانان شدیداً تحت فشار و مورد هجوم خود قرار داده‌اند. آنان ضمن تلاشهای مدسوحانه و سادجویئی از عناصر خاش و خودبروخته و همکاران عمال سرسپرده خود، سعی کرده‌اند، تا به سیاستهای ارتجاعی رژیم جامه عمل ببوشانند.

- بسیاری از روستاهای مهاباد نیز بمنظور سربازگیری اجباری مورد هجوم و خبیانه مزدوران قرار گرفت. در همین

سربازگیری و تسلیح اجباری

سردشت

رژیم جمهوری استعماری مازم با تعداد سیات ارتجاعی سربازگیری اجباری خود امروده است. اخبار شهر سردشت و روستاهای حومه "دوگوران" و سخن آآن به همین منظور و سیما مورد هجوم مزدوران قرار گرفته است. سرکوبگران من نشندند فشارهای خود بر اهالی این منطقه، رباکارانه اعلام نموده‌اند که، سربازان میخوانند در روستاهای خود خدمت کنند تا در واقع از این طریق سیات سربازگیری اجباری را عملی سازند. مزدوران سرکوبگر، با تهدید و ارعاب مکرر و اعمال سرکوبی و خبیانه، توانسته‌اند در منطقه آآن، تعدادی از عناصر خاش محلی راه همکاری با خود و ادارات استعماری آنها در جهت پیشبرد اهداف ارتجاعی خود سودجوید.

مهاباد

راهنده، رورهای ۱۷ و ۱۹ اسفندماه منطقه "تارویران" مهاباد، مورد تعرض و خبیانه مزدوران رژیم واقع گردید و تعدادی از جوانان دستگیر و روانه پادگانهای نظامی رژیم شدند.

در روستای "دارالهک" حمله و خبیانه مزدوران برای سربازگیری اجباری، با اعتراض یکپارچه اهالی و مقاومت آنان روبرو شد. رحمتگان روستائی، خودروهائی سرکوبگران را مورد حمله انقلابی خود قرار داده و با شکستن شیشه‌های آن، با خشم و سرفر عمیق علیه رژیم جمهوری اسلامی به شعار دادن پرداختند. اما سرکوبگران، ضمن اعمال خشونت و سرکوب نسبت به اهالی این منطقه و سرانجام با زور اسلحه، توانستند بیست و چهار نفر از جوانان روستای "دارالهک" را دستگیر و روانه مراکز سرکوب خود نمایند.

- بیست و چهار نفر از جوانان روستای "ایندرقاش" نیز دستگیر و روانه مراکز نظامی رژیم شدند.

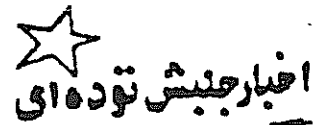
بانه

منطقه بانه نیز بمنظور سربازگیری اجباری، اخیراً از سوی مزدوران رژیم مورد هجوم قرار گرفته است. سرکوبگران با حملات وسیع به بسیاری از روستاهای این منطقه و اعمال زور و فشار، در پی سر آوردن سیاستهای ارتجاعی رژیم برآمده‌اند. در همین رابطه، مزدوران پس از هجوم به روستای "بنه‌ژاز" ۱۶ نفر از جوانان روستائی را دستگیر و روانه پادگانها و جبهه‌های جنگ ارتجاعی نموده‌اند.

- همچنین به اهالی روستای "دشت تال" اطلاع شده است و از جوانان خواسته شده است تا با مراجعه و معرفی خود به مراکز نظامی و پادگانها آمادگی خود را برای اعزام به سربازی اعلام دارند.

سقز

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه خود، در



یک سرباز سدار فرار از ارتش، به
مفوف پیشمرگان خلق کرد پیوست.
همچنین روز سهم فروردین ماه،
سرباز دیگری از اهالی روستای "باقی"
سردشت، خود را به مفوف پیشمرگان خلق
کرد رساند.

سرکوب و حشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و ترسویی مردم

در مقاله

جنبش انقلابی خلق کرد است!

بخش سارال سنندج، هنگامیکه به چرای
گوسفندان مشغول بود، در اثر انفجار
مینی که توسط مزدوران رژیم کار گذاشته
شده بود، به شدت زخمی میشود. سرکوبگران
که خود شاهد و نظاره‌گر زخمی شدن فرد
روستایی بودند، او را دستگیر کرده و با
بستن چشمان او و تحت عنوان مداوا، او
را به داخل پایگاه منتقل میکنند. اهالی
روستا پس از اطلاع از واقعه، ضمن
اعتراض نسبت به مزدوران، با خشم و تنفر
به داخل پایگاه میروند و پس از رهسار
ساختن فرد مجروح، او را هرچه سریعتر
برای مداوا به شهر سنندج منتقل میکنند.

سنندج

بدنسال توخین یک تن از یاسداران
رژیم به یکی از دختران روستای "حسین آباد"
و ایجاد مزاحمت برای او، اهالی این
روستا در تاریخ چهاردهم اسفندماه، طی
یک حرکت اعتراضی، طرف پایگاه مزدوران
راه پیمایی کردند و با سرار انترچاروتنفر
خود نسبت به سرکوبگران، خواستار
مجازات یاسدار زبیر شدند. زحمتکشان
روستایی، علاوه بر آن همچنین خواستار
خروج کلیه مزدوران از روستای خود شدند.
- رژیم جمهوری اسلامی، برای
کنترل هرچه بیشتر شهر سنندج و روستاهای
اطراف آن، اقدام به ایجاد پایگاه و
بفرهای جدیدی نموده است تا با امکان
دادن نیروهای سرکوبگر خود در این مراکز
و تشدید جو خفقان و سرکوب سیاستهای
ارتجاعی خود را در شمال توده‌های زحمتکش
به پیش برد.

در همین رابطه، رژیم اخیراً در
روستاهای "گله خان" و "نهرجه" مقرهایی
دایر نموده است و بر آنست تا به ایجاد
چسب مرکزی در روستاهای "قنلاق"،
"سورنازه" و غیره نیز مبادرت ورزد و از
این طریق در جهت محدود نمودن و کنترل
رفت و آمد اهالی این روستاها و بخصوص
پیشمرگان خلق کرده، بر شدت فشارهای بی
حد و حصر خود نسبت به زحمتکشان
روستایی سیفاید.

- صبح روز پنجم فروردین ماه، یکی
از زحمتکشان روستای "احمدآباد" واقع در

شهرها و روستاهای مختلف کردستان، پس
از بهمن بر شدت فشارهای خود از اهالی
منطقه سفر سیر کرده است. بدینسان
اطلاعه‌ها و بخش‌نامه‌های مختلف در رابطه
با سرکوبگری احماری، روستاهای این
منطقه نیز مورد هجوم و حشیانه مزدوران
فرارگرمت، سرکوبگران با خاسته سردبشهای
شانه و مکرر خود و همچنین نابیناگرد و
کنترل حواس در حیا با آنها، جاده‌نهار
راهها به دستگیری حواسان پرداخته تا
آنان را به حشدهای مرتکب و سستی اعزام
دارند. مزدوران که برای دست‌یابی به
اهداف ارتجاعی خود به هر ضرورتی متوسل
میشوند، اخیراً با طرح ترسناک راه‌نهارت
"سرباز مسلم" به حمله جدیدی دست زده
اند، و سرانند تا از این طریق سیاستهای
ارتجاعی رژیم را پیش برند.

مردمان

در ادامه سیاستهای جنگ افروزی
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، اخبار تعداد
زیادی از سربازان اقدام به فرار از
جبهه‌ها کرده‌اند. اسناد این فرارها
آجیان گسترده و وسیع بوده است، که
رژیم راحت به وخت و تکاپو انداخته تا
سای فرار سربازان کرده. در همین
رابطه در حاشیه‌های سربازان، سوره‌های
ربادی را مستقر ساخته و پنهان کنترول
جدیدی ایجاد نموده است. همچنین با دایر
کردن پست کنترول در دروازه شهر، سر
شدت با در سها و نارنجوبی‌های خود افزوده
است. اما شام اسکوبه چاره‌اندیشی‌های
مزدوران، هیچ سودی برای رژیم دربر
نداشت و فرار حواسان از جبهه‌های جنگ
ارتجاعی که با روز رفتار به سرساری
اعزام شده‌اند همچنان ادامه دارد.

همچنین روز سه‌دهم فروردین ماه،
یکی از حواسان روستای "گله‌خرو" واقع
در شمال کردستان، که مدت دو ماه پیشتر
از سربازی احماری از سی گذشت، فرار
نمود.
روز بیست و پنجم فروردین ماه سیر.

سردشت

چندی قبل مزدوران مستقر در روستای
"تک‌وگال" در نزدیکی روستای "درمان آوی"
منطقه بازار سردشت، یکی از اهالی
زحمتکش را در کمال وحشیگری، مورد هدف
سلاح خود قرار داده و او را مجروح میکنند.
- بدنسال هرچه عمیق‌تر شدن بحران
اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی، مزدوران
به اشخاص مختلف برفشارهای مالی خود بر
توده‌ها افزوده‌اند و تحت عناوین مختلف
و از جمله تحت عنوان کمک به جبهه‌های
جنگ ارتجاعی به اخاذی پرداخته و
ترده‌های زحمتکش را سرکوب میکنند. اخیراً
به همیشمنتظور، در شهر سردشت کمیته‌ای
بنام کمیته مرکزی مرکب از تعدادی از
سرپرندگان تشکیل داده‌اند و آنان به
تسلیح برله جنگ پرداخته و برای تأمین
نهای مالی آن توده‌ها را تحت فشار
قرار داده‌اند.



اخبار جیش توده ای

هه وشار

احتراساری از روستاهای منطقه
میراللمبگی راقتار. مورد حمله و حمله
مردوران رژیم قرار گرفته است. سرکوبگر
ما حمله به این روستاها. تعدادی از اهالی
را دستگیر کرده و با رور و تهدید، به
احادی از آمان برداخته اند. در همین
رابطه تاکنون در مناطق فوق دست و دست
دستگیر شده و سپس از هر یک مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال
گرفته شده است.

— رور نهم فروردیس ماه، جوان
۱۲ ساله ای در اثر انفجار یک مین که توسط
مردوران رژیم کار گذاشته شده بود، جان
مورد را از دست داد.

— اهالی روستای گل نبه در محالفت با
سپاههای سرکوبگر رژیم نهاد دست
به اعتراض زدند و دادن شمارهایی علیه
مردوران رژیم و حکم ارتجائی مستقیم
مورد را به مساحت گذاشتند.

نوسود

چندی پیش شهر سوسو توسط مردوران
رژیم جمهوری اسلامی به حمله رفته شد،
که در اثر آن علاوه بر خسارات مالی وارده
به اهالی شهر، یک نفر از اهالی بر اثر
امانت ترکش خمپاره جان خود را از دست
داد.

سقز

مردوران رژیم جمهوری اسلامی،
کمترین فرنی را برای اعمال سبانهای
سرکوبگرانه و وحشیگری نسبت به مردم
کردستان اردت میدهد. در همین رابطه
صبح روز پنجم فروردیس ماه سرکوبگران
سقز در پایگاه "پاشی خان" یکی از

در منطقه گورگ ۳ مهاباد را مورد حمله
و حمله خود قرار دادند. سرکوبگران
جانبت پیشه، ابتدا با گشودن آتش سلاح -
های خود بر روی روستا و کسب اطمینان خاطر
نسبت به عدم حضور پیشمرگان، به داخل
روستا حمله ور شدند و به سرکوب اهالی
پرداختند. مردوران رژیم، ضمن ضرب و
شتم اهالی، به تفتیش و خانه گردی دست
زدند و از غارت اموال ناچیز زحمتکشان
و حتی لباس و کفش و امثالهم نیز دریغ
نکردند.

روستایان راه پناه و حرم آنکه به
پایگاه مردوران نگاه کرده است، شدند
کنک کاری میکند. مردوران همجس من
تهدید و اراغاب اهالی، یکی دیگر از
زحمتکشان این روستا را مورد ضرب و شتم
قرار دادند.

در ادامه همین سبانهای سرکوبگرانه
مردوران از اهالی روستای "می یک" در
بخش سرشیز سفر میخواستند تا خود را به
پایگاه رژیم واقع در روستای "پائین -
جان" معرفی نمایند. جمعی از اهالی که
به طرف پایگاه به حرکت در میآیند،
سیرحماه از جانب مردوران مورد سرکوب
و حمله قرار میگیرند. مردوران ۵ نفر
از آمان را دستگیر نموده و با چشمان بسته
به درون پایگاه می برند و پس از ضرب
و شتم و شکنجه سرانجام رهایشان میکنند.
همچنین چندی قبل، تعدادی از اهالی
روستاهای "بایر"، "بوردیه" و "سین"
که به کوچ اجباری وادار شده بودند،
پس از آنکه چندین بار خواستار
برگشت به روستای خود و جبران
خسارات وارده به آن شده بودند
بالاخره توانستند مردوران را به عقب -
نشینی وادارند و به روستاهای خود مراجعت
کنند. اما مردوران، غیر از این عقب نشینی
نقطه با سرکشی مردان روستائی موافقت
کرده و از بازگشت ران و کودکان همچنان
مسامت بعمل آورده اند. لازم به تذکرات
که روستاهای فوق، سال پیش توسط
مردوران سرکوبگر به آتش کشیده شد و اهالی
آن مجبور به ترک خانه های خود شدند.

مهاباد

چندی پیش دو نفر از مردوران مسلح
رژیم وارد خانه ای میشوند و تحت عنوان
پیشمرگه، طلب پول میکنند. ساکنین خانه
که به ماضیت آندو بی برده بودند، از
دادن هرگونه پولی امتناع میکنند، اما
مردوران با اراغاب و تهدید و اعمال
وحشیگری و سرانجام با تیراندازی نمودن
سروری یک مرد وزن و مجروح نمودن آنان،
به تفتیش و خانه گردی پرداخته و مبلغ
هفتاد و پنج هزار تومان به سرقت میبرند.
همچنین صبح روز سیزدهم فروردیس
ماه با مداران مردور، با توافق شنی چند
از جاشهای خودفروشی، روستای "بارآوا"

چند خبر از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

سردشت

ظهر روز شانزدهم، هفتم ماه، منطقه
آلان سردشت برای دومین بار در عرض یک
هفته مورد حمله توپخانه عراق قرار
گرفت. در اثر این توپ باران بسیاری از
روستاهای منطقه آسیب دید. از جمله به
روستای "شهرز" واقع در این منطقه،
خسارات فراوانی وارد آمد و یک زن
روستائی جان خود را از دست داد.

بانه

در اولین روزهای سال جدید، شهر
بانه برای چندمین بار مورد حمله و حمله
هوایی عراقی قرار گرفت و تعداد
دیگری کشته و زخمی برجای گذاشت. بعد -
از ظهر روز پنجم فروردین ماه، روستاهای
"گلان"، "اشترآباد"، "ساردا" و سورا" مورد
حمله هوایی عراقی قرار گرفت و به
شدت بمباران شد. در اثر این بمبارانها
بازدهن از مردم سیدفاع این روستاها



☆ خبرچینش توده‌ای

جان خود را از دست داده و ۱۲ نفر سیر محروح شدند .

نشم فروردین ماه سبز، نجراسه و روستاهای اطراف آن سماران در حشرات مالی وحاشی فراوانی به اهالی روستاها وارد گردید. در روستای "سوراو" یک نفر جان خود را از دست داد و ۷ نفر دیگر به شدت زخمی شدند. زحمتگان روستایی که نسبت به حضور مزدوران رژیم در روستای خود اعتراض داشته وار آنان متنفر بودند علیه آنها دست به اعتراض زدند و شمر عمیق خود را نسبت به رژیم و جنگ ارتجاعی نشان دادند.

همچنین روز هشتم فروردین ماه ، مگروا شهر ماه و روستاهای اطراف آن مورد سماران هواپیماهای عراقی قرار گرفت و تلفات و مایمات حیران ناپذیری بر جای گذاشت . در اثر این سماران ها بر جای گذاشت . در اثر این سماران ها ۹ نفر اهالی زحمتکش روستای کاسی سو در شرف حاده "تلکه" جان خود را از دست دادند و تعداد زیادی نیز زخمی شدند . سه نفر از زخمی شدگان نیز بعدا جان خود را از دست دادند .

روز نهم فروردین ماه نیز سماران های هواشی ار سرگرد شده و بمبهای محرب بمبافکن های عراقی بر سر اهالی سدفاع منطقه فرو ریخت . در اثر این سماراها ، ست نفر اهالی روستای کاسی سو" جان خود را از دست داده و حشرات مالی سگی سیر به اهالی این روستا وارد آمد . سماران روستای "گل" رابع در این منطقه سیرک تن کشته و یک نفر محروح بر جای گذاشت . همچنین در اثر این سمارانهای بی درسی روستاهای "مه مری او" ، "تلکه" ، "گه" ، "که زاره" ، "و شمرل" آسیب فراوانی بخود دیدند .

پاوه

دور با سردم فروردین ماه ، شهر پاوه سیر دویار هدف جکته بمب افکن های عراقی قرار گرفت . طی این

سماراها ، بسیاری از مناطق مسکونی و حیواناتها ، ارجله خیابان مولوی، میدان زاندارمیری ، اداره آموزش و پرورش محور سردشت خانقاه ، خانه های مسکونی سازمانی و غیره ، شدت آسیب دیدند و اهالی خسارات فراوانی وارد آمد . همچنین در اثر این سماراها ، دست کم هشت نفر

از اهالی جان باختند و قربانی جنگ ارتجاعی شدند و ۲۳ نفر دیگر از اهالی به شدت زخمی گشتند . هم اکنون بسیاری از اهالی بیدفاع شهر پاوه ، برای حفظ جان خود و از بیم سمارانهای مجدد ، خانه های خود را ترک کرده و به خیل آوارگان پیوسته اند .

چند خبر از شهرهای کردستان

مهاباد

رژیم جمهوری اسلامی، برای تامین نیازهای مالی خود، هر روز فشارهای بیشتری را بر توده های زحمتکش تحمیل میکند . مرتجعین جمهوری اسلامی که با افزایش مالیهاتهای مستقیم و غیر مستقیم که فشار اعلی آن بردوش توده های زحمتکش قرار دارد ، در نجات خود از بحران مزمن اقتصادی ویا تعدیل آن موفقیتی نداشته است ، از فرط افلاس و ورشکستگی، آشکارا به اخاذی از توده ها می پردازد ، تا شاید چند مباحی بیشتر بتوانند از دسترنج مردم زحمتکش به سیاستهای ارتجاعی خود ادامه دهد .

در همین رابطه ، روز پانزدهم اسفندماه ، فرماندار شهر مهاباد ، کلیه ناوابان این شهر را به فرمانداری احضار میکنند و خطاب به آنان اعلام میدارد که بایستی مبلغ دو میلیون تومان توسط اتحادیه ناوابان به حساب رژیم واریز نمایند . ناوابان ابتدا در مقابل این خواست ارتجاعی و مستغرانه ، دست به اعتراض میزنند و با مقاومت خود از پرداخت هرگونه پولی امتناع میورزند . اما فرماندار مزدور ، به کمک ارگانهای سرکوب رژیم ، قمن تهدید و اوعصاب ناوابان ، از طریق اتحادیه موفق به اخذ مبلغ فوق میگردد . گفته میشود که این سیاست رژیم در مورد دیگر اصناف نیز بکار گرفته شده است .

در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه و خضوت بار رژیم علیه اقشاری از زحمتگان شهر مهاباد از قبیل دستفروشان ، دکهداران و زحمتگان دیگری که تنها وسیله کار آنها یک چرخ دستی است و از طریق کار با آن ارتزاق میکنند ، در تاریخ

هفدهم فروردین ماه محله "مرداشست" مهاباد که یکی از اماکن تجمع این اقشار مستعبد شده است مورد هجوم وحشانه مزدوران رژیم قرار گرفت . سرکوبگران با اعمال خشونت و وحشیگری ، بسیاری از اموال و وسائل آنان را تخریب کرده و به آتش کشیدند و مابقی را به بیرون شهر انتقال دادند . زحمتگان ، در مقابل این حرکت مزدوران دست به مقاومت زده و ضمن اعتراض با آنان درگیر شدند . آنان ابتدا با تشکیل جمعیت چند نفره ، در تدارک یک اعتراض دسته جمعی برآمدند . مزدوران در هراس از حرکت اعتراضی زحمتگان ، عقب نشینی کرده و طی یک اطلاعیه که از رادیو و تلویزیون پخش شد ، خطاب به این زحمتگان مطرح کردند که ، آنان میتوانند به کار خود ادامه دهند و ممانعتی برای آنان در میان نیست ، اما زحمتگان بدون توجه به این اطلاعیه ، روز نوزدهم فروردین ماه با یک حرکت متحد و دسته جمعی در مقابل شهرداری ، علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم دست به اعتراض زدند . لازم به یاد آوری است که در جریان حمله مزدوران به این زحمتگان تعدادی از آنان دستگیر و روانه زندان شدند . افراد دستگیر شده در اعتراض به وضعیت فلاکتبار خود ، و عدم تامین امنیت شغلی ، علیرغم حکم آزادی رژیم ، همچنان در زندان مانده و خارج نشدند .

سنندج

صبح روز چهاردهم فروردین ماه ، یک نفر از اهالی شهر ، با دوشن از مزدوران درگیر میشود . عابریین و علی الخمصوس کارگران بیکاری که در میدان مرکزی شهر ازدحام کرده بودند ، به پشتیبانی از فرد مذکور ، وارد عمل میشوند و در نتیجه درگیری بالا میگیرد . مزدوران سپاه - در صفحه ۹

اپوزیسیون ضد انقلاب

و

مناقشات حزب دمکرات

ملی عمومی از آن برخوردار نبود. مداره سیاسی سازمانهای جمهوری ایمنی، طرحهای رفرمیسی، همکاری با اپوزیسیون مدافعین و مدافعان سربازان انقلابی، همه در رابطه با این مسئله اسرار و رابطه با درک مشخصی در درکی که مانی از ماضی و طغیانی او و در اطمینان از آن است. اس ما همسایه همواره با در برمان در پی الفاظی - مقدار و عوامل سرمایه منور ساعد و خود را از چشم سوده ها پنهان نگاه دارد. رشد و تمسک سازمان طغیانی، تعداد بحران انقلابی و چرخشهای اجتماعی همه چیز را بر او و مانی میگرداند و سرانجام دست همه سروه های سیاسی از جمله حزب دمکرات را رو میکند. و در کارزار سخت مبارزه طغیانی، بنات و اارجیه ها کنار میروند. نا اسی سروه ها همه وانست خود را نه سایش نگارند و جایگاه واقعی نشان را پیدا کنند. اس طغیانی، سر سحر بحران انقلابی جاری، تسرع ننمود، "مضاری" و همکاری حزب دمکرات با "سروه های مبین برست" و اپوزیسیون مد انقلابی، و با اشتغال در تشکیلاتی که مورد نظر است و از مسیر حسن انقلابی

★ گرامی بادیداد

است، اعتبار و حیثیتی که نام کمونیست مرادف با نام فدائی کسب کرده، موجب تضمین آن ارزشهای والا میبارزاتی ای شده است که فقط تحت همین عنوان کمونیستهای ایران بسیج میشوند. توانائی رفیق جزئی فقط در درک ضرورت تاریخی پایه گذاری سازمان نبوده، بلکه شناخت آگاهانه رفیق از انقلابیون کمونیست جهت گزین کردن و سازماندهی در صفوف فدائی یکی دیگر از ویژگیهای منحصر به فرد رفیق جزئی است. رفیق بر خلاف ما کمونیستهای آکا داد مبین، آگاهی و تبحر علمی خود را صرف تئوریزه کردن مسائل عمده جنبش نمود و محصول یک دوره طولانی این سخت کوشی، تحلیل ساخت - جامعه ایران است که هنوز بعنوان یکی از معتبرترین پایه های شوریک انقلاب ایران اعتبار خود را حفظ کرده است. رفیق جزئی در تمام دوران زندگی میبارزاتی خود، تحت هر شرایطی به فعال ترین شکل ممکن در راه ارتقا جنبش نوین کمونیستی که خود زایش یافته بود تلاش بی وقفه ای را دنبال کرد که نتایج آن مجموعه مباحث اساسی شوریک جنبش کمونیستی ایران را تشکیل میداد. هر چند بعضی نقیصه ها در کار رفیق وجود داشت که سازمان در پیرویه تکاملی خود و با نقد دیالکتیکی این نقیصه ها رافع کرده است. مهمترین نقیصه کار رفیق را عدم خط کشی قاطع ایدئولوژیک با حزب توده. میتوان نامید و اگر چه در پیرویه عمل این خط کشی با سببهای اپورتونیستی حزب توده به قاطعیت تمام نمایان بود و خط مشی و سیاست سازمان نیز این مرز بندی را عیان میکرد اما در زمینه ایدئولوژیک، کوتاهی رفیق کاملاً آشکار است. رفیق جزئی علی رغم تاکید بر وظیفه بسیج سوده های سازماندهی پرولتاریا در این زمینه نیز نتوانست درک روشنی ارائه دهد.

آموزش مهم رفیق جزئی زندگی سراپا مبارزه و سخت کوشی او بود. رفیق در جهت تحقق اهداف انقلابی اش هیچ شرایطی را مانع کار و ادامه مبارزه نمیدانست، در حالاتی مبارزه بی امان خود را در حوزه های مختلف سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی به پیش میبرد، چه در شرایط غلبی، چه در شرایط مخفی مبارزه و خواه در صفحه ۱

سوده ها، بر سببها نفع نداشت، در روند رو به رشد مبارزه طغیانی، نظیر نطق در مسائل حساس سوده ها، مفاد آرائی خواستند کرد و حرب دمکرات در این مفاد تاریخی نشی واقعی خود را نشان خواهد نمود. اگر روری حرب دمکرات، باید بر سر بنامه سوروزا رفرمیستی "سورای ملی مقاومت" بنام "خودگردانی" مطرح در اساس بنامه بدست حواسدهای واقعی خلق کرد. پرداخت، امروز بر اساس همگان دیدگاه واداد همان سیاستها، با جاردن دشمن خلقیای ایران بجای دوست و توهم پراکنی سست آسان، راستی سدها حواسدهای خلقی فخرمان کرد را اما باید به کردین است، بلکه ایسی سازماندهی ناتمامت حسن انقلابی خلق کرد را وجه المانع سیاستهای سازش - کارانه و سوروزا رفرمیستی خود تکرار دهد. زمانیکه خلق سارر کرد و عسوم سوده های رخصت سارر ایران، با حقوق خرجه سوده تر در مسائل رژیم جمهوری انقلابی مد آرائی میکنند، هنگامیکه طغیانی کارگر ایران" سوری عالی سوار فعالیت و سارر" گامهای استوار و سترگی بر میدارد، و با سرفرازیی برجم اشتغال طغیانی خود، بر مدبری را می گماند. حزب دمکرات سادیم، همچنان سرگرم دلالی رسد و سارر سوروزائی سادیم.

چریان انقلابی بخواند و کومه له نیز از حزب دمکرات میخواهد که "دمکرات" باشد و مواضع کومه له را مبنی بر محکومیت حرب "در خلق درگیریهای ملحانه" رسمیت بپذیرد. هر چند که کومه له کوتاه فکر درک نمیکند آنچه که تعیین کننده خط مشی حزب دمکرات است همانا منافع طبقاتی اوست و حزب دمکرات با متعهد شدن به کومه له نمیتواند دست از مواضع خود بشوید. همچنانکه کومه له از درک دمکراسی مبتنی بر نیرو و اراده انقلابی سوده ها نیز عاجز است و همواره خود را جایگزین این نیرو قلمداد میکند. کنگره پنجم کومه له نیز نه تنها نتوانسته هیچ راه حل عملی و مشخصی را برای حل بحران مناسبات سیاسی فیما بین خود و حزب دمکرات ارائه دهد بلکه بنا تا بپید "سیاست عمومی و مواضع تا کنونی" خود در قبال حزب دمکرات یعنی سیاست تعرض متقابل و انتقام کشی و "کسب پیروزی در جنگ جاری" عملاً بر تشمیق این بحران دامن نیز زده است.

کومه له بوندیست

نردم زحمتکش را مراعات خواهد نمود. "آزوت" بدیهی است که کومه له آماده است توافقنامه های لازم را بر مبنای اصول فوق با حزب دمکرات امضا کند" (طرح کومه له برای ملج... بلنوم مرکزیت کومه له)
در واقع کومه له از حزب دمکرات میخواهد که رسماً اعلام کند: حقوق و آزادیهای سیاسی را با تسول سرور نشی کرده و " در شمال اختلافات سیاسی فیما بین " با کومه له، درگیری ملحانه "خلق" نموده است و خلاصه آنکه در ایجاد و نهادن درگیریها، کومه له هیچ نقشی نداشته و تنها حزب دمکرات عامل و مانی این درگیریها بوده است. این شرایط با شرایطی که حزب دمکرات پیش پای کومه له گذاشته و از او خواسته که از مواضع سیاسی خود عدول کند، فرقی ندارد. حرب دمکرات از کومه له میخواهد که اورا یک



عمل بخشهایی از بنام سبیل انقلابی آسان
بلا استفاده ماند.

امروز بزرگسالی و عدم پیوستگی به
یکی از منحنیهای سارزات نبوده ای
کردستان مدخل گشته است. درک این نقاط
ضعف و تلاش باردارنده آن در سرب پیشرفت
سارزات نبوده ای و همچنین باخ سربسج
و مشورانه بدان یکی از مسائل مهمی
است که حل آن از هم اکنون نه تنها راه
هرگونه پس روی جنبش را سد خواهد ساخت
بلکه نطقا پایه های قدرت آنرا نیز تحکیم
خواهد بخشید.

این نقاط ضعف در سارزات نبوده ای
کردستان پدید آمده سوطهوری نیست. اینک
چرا بوده های مردم طی چند سال مساره
بهرموش و مدارم، هنوز نایند حدانسل
شکل و سارماسایی کنند رینه در نش
سپروهای موثر در این جنبش دارد.
جنبش انقلابی خلق کردستان
بخشی از جنبش مدا سربالینتی دمکراتیک
خلفهای ایران سراسر الزامات عینی
این مرحله از انقلاب ایران می بایست

تحت رهبری طبقه کارگر سازماندهی و
تدابیر گردد. اما در فقدان این رهبری
بیر بود گرایشات بورژوازی و خردیه -
بورژوازی سوسیالیستی و تنگ نظرانه
توار کرند است. نتایج عینی مفسد
رهبری جنبش خلق کرد که منابر
مخالق این مرحله از جنبش انقلابی
ایران است تاکنون تا سیرات خود را در
توجه های مختلفی سراجی گذاشته است.

علاوه بر ضعف و ناتوانی این نیروها
در امر رهبری انقلابی، تعمیق و تشبیه
خواستهای جنبش انقلابی خلق کرد در
سارزات روزمره کارگران و زحمتکشان
و سازماندهی این سارزات، امروز
درگیریهای نظامی میان پیشمرگان حزب
دمکرات و کومه له که ناشی از تعاملات
تنگ نظریه این نیروهاست به مهمترین
معمل در سطح جنبش انقلابی خلق کرد
مدخل گشته است. این درگیریها تاکنون
مدخلاتی از فرزندان کارگران و زحمتکشان
کردستان را به خاک و خون کشانده و بخش
انظم انرژی و توان رزمی پیشمرگان دو
نیرو را خود مشمول داشته و کلیه
دستاوردهای جنبش انقلابی - دمکراتیک
خلق کرد را در معرض نابودی قرار داده
است. طی چند سال گذشته رژیم جمهوری
اسلامی در سربکوب جنبش خلق کرد، فرمتی

جنبش منضم نباشد بود که درگیریهای
پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له به او
ارزانی کرد تا با استفاده از این فرصت
بر تعزفات خود به مناطق کردستان و تشدید
سربکوب اهالی بیدفاع روستاها بیا فزاید.
بر این اساس است که امروز پایان
بخشیدن به درگیریهای نظامی حزب -
دمکرات و کومه له و حل اختلافات بین دو
نیرو بشیوه ای سیاسی به خواست اصلی
کلیه توده ها مبدل گشته است.

جنبش انقلابی خلق کرد در پروسه
عمق یابنده خود، بیش از پیش ماهیت
جریانات بورژوازی، خرده بورژوازی
سوسیالیست را بر ملا ساخته و ناتوانی
ذاتی آنان را در امر رهبری هدفمند
توده ها و سازماندهی مبارزات آنان، در
راستای پیروزی خلق کرد به اشبات رسانده
است.

پیروزی مبارزات خلق کرد، در گرو
پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان
سراسر ایران تحت رهبری طبقه کارگر است.
تنها با اعمال رهبری پرولتری بر این
جنبش و پیشبرد اهداف دمکراتیک پیگیر
طبقه کارگر که پیوستگی لازم را در مفسوف
سارزه جاری در جامعه ایجاد میکند،
پیروزی خلق کرد از افق کردستان پیدا
خواهد شد.

غنائیم بدست آمده

۴۳	جنگ افزار انفرادی
۸	انواع نارنجک
۲۰	سی سیم
۷۲۰۰	انواع فشنگ
۳۲	خشب
۲۵	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۱۲	کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۷	پیوستن فریب خوردگان

اما این جدول عمدتاً از اخبار
رادیوهای حزب دمکرات و کومه له
سرگرفته شده است.

تلفات دشمن

۱۴۸	کشته و زخمی
۹	اسرای دشمن
۲	خودروی منهدم یا مصادره شده
-	سلاحهای منهدم شده
-	مهمات منهدم شده

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ اسفند تا ۲۷ فروردین

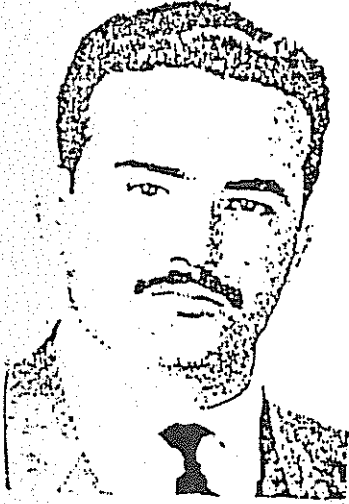
عملیات پیشمرگه

۷	کمپن و کنترل جاده
۲	مین گذاری
۸	مقابله در مقابل بمباران رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
-	طرح سلاح با بکاه
۱	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۱	حمله به با بکاهها
۲۶	جمع

۸	شهادت پیشمرگه
۲	اهالی بیدفاع

سدرگه و تویی پروتته و هی شورشیگپرانده ی گه لی کورد

گرامی باد یاد پرشکوه رفیق کبیر فدائی خلق بیژن جزنی و همزمانش



۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۴ رژیم ارتجاعی شاه با ترور رفیق کبیر فدائی خلق بیژن جزنی و ۶ تن از همزمانانش رفقا، حسن ضیاء، ظریفی، محمدچوپا نژاده، احمد جلیل افشار، مشوقت (سیدگلانتری)، عزیز سرمدی، عباس سورکی، هراس مرگبار خود را از نفوذ روزافزون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در میان انقلابیون و کارگران و زحمتکشان ایران به نمایش گذاشت.

شکل گیری شخصیت مبارز رفیق جزنی محصول پروسه عملی یک دوره کامل تاریخ مبارزه طبقاتی در ایران بود و به همین در صفحه ۷



پروام باد

مبارزه خلق فلسطین

دهم فروردین ماه (سیام مارس)، معاد با روز زمین، روز فلسطین، روز همستگی جهانی با مبارزات انقلابی خلق فلسطین علیه اشغالگری صهیونیستی اسرائیل است.

این روز را گرامی می‌داریم و به با بیداری دلبران روزندگان و خلق بهکارچو و انقلابی فلسطین، به کارگران و زحمتکشانی که طی بیش از سی سال مبارزه سختی تا پذیرش انقلابی خود سونه‌های برجسته‌ای از دست‌آوردهای حماسی رابه گنجینه بربار مبارزات صدامبریا لیبسی، فدارتجائی خلقهای جهان تقدیم داشته‌اند درود می‌فرستیم و با مبارزات آنان در راه رهایی از یوغ صهیونیسم اشغالگر دستبای به فلسطینی آزاد، دمکراتیک و انقلابی، به فلسطینی که کارگران و زحمتکشان در آن بر سرنوشته خویش حاکم باشد، اعلام همستگی می‌کنیم.

اخباری از جنبش شوده‌های

در صفحه ۱۸

خلق کرد پیروز است

جدول يك ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

در صفحه ۲۳

ششمین سال

قتل عام زحمتکشان "قه لاتان"

شش سال از قتل عام و جنابانه اهالی سدفاع قه لاتان گذشت. روز نهم فروردین معاد است با جنابیت سنگین جمهوری اسلامی در قتل عام زحمتکشان روستای قه لاتان که توسط مزدوران سرکوب - کر رژیم و ساواکهای معروف مانند صمودی، که تحت عنوان مانور ارتش -

روستای نخلبه شده حمله کرده و باقی‌مانده اهالی را که عده‌ای کودک و پیرمرد و پیرزن بودند در زیر تانک له کرده و با بریدن سر جایشان بوسیله تیر شهادت رسانیدند. فردای آنروز برای سرپوش نهادن بر جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی قه لاتان با آتش توپخانه ارتش ویران

کردید. ضمن گرامیداشت خاطره شهیدای سدفاع قه لاتان برتداوم مبارزه انقلابی خود علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی پای می‌نثاریم.